

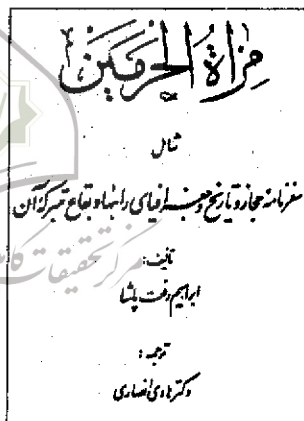
## معرفی های اجمالی

۱۳۱۸ با عنوان «رئیس محافظان کاروان در حج، به حج مشرف می شود، و گزارشی از سفرش به آن دیار تهیه می کند. آنگاه سال های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و ۱۳۲۵ با عنوان «امیر الحاج» به حج می رود و یادداشت های سفر آغازین را تکمیل می کند و کتاب «مرآة الحرمین» را رقم می زند.

بدین سان «مرآة الحرمین» در جهت تبیین و تشریح جاهای تاریخی مکه و مدینه در آن روزگار شایان توجه است بویژه اینکه وی چنانکه گفتیم بارها این سمت را داشته و با دقت چگونگی آن جای ها و حوادث را وارسی کرده است.

مؤلف در آغازین بخش کتاب از دوخت پرده کعبه در مصر و چگونگی حمل آن به مکه سخن می گوید. گزارش این جریان غالب و خواندنی است. کاروانی که «پرده کعبه» را همراه دارد، بردجه کاروان، مسیر حرکت، آیین ها و مراسمی که در حمل پرده بر گزار می شد، وصف دقیق پرده و چندی و چونی آن، استقبال از کاروان حامل پرده کعبه در جدّه و ... همه و همه توصیف هایی است زنده و خواندنی. مؤلف در ضمن این گزارش تمام جاهای کهن و تاریخی مسیر راه و نیز شهر جدّه را یاد کرده و آورده است که کاروان از راهی وارد مکه شد که رسول الله (ص) وارد شده بود و بدین مناسبت از گورستان «معلّاء» یاد کرده است با تصویری از وضع گورستان در آن روزگار. او در این گورستان از خاکجای حضرت خدیجه (ع) یاد می کند و این دیدگاه را نمی پذیرد که قبر حضرت آمنه مادر والای رسول الله (ص) در آنجا باشد و بدرستی تأکید می کند که مضجع آن بزرگوار در «أبواء» است (ص ۶۴). آنگاه از دیگر مدفونان این گورستان یاد کرده و چگونگی ورود کاروان به مکه

مرآة الحرمین، ابراهیم رفعت پاشا، هادی انصاری، نشر مشعر، ۱۳۷۷، ۵۶۸ص، وزیری.



سفرنامه نویسی در فرهنگ اسلامی دیرینه ای دراز دارد، و سفرنامه ها در میان آثار مکتوب از جایگاه والایی برخوردارند، و در برنمودن چندی و چونی آبادی ها و نشان دادن بخش هایی از فرهنگ ها و جوهی از رسوم و عادات ملت ها سودمندند و

کارآمد. در میان سفرنامه ها، آثاری که درباره مکه و مدینه و چگونگی حج گزاران را به قلم آمده است حجم قابل توجهی دارد. در میان سفرنامه های مرتبط با حج آثار مهمی توان دید که به لحاظ شناخت جغرافیای مکه و مدینه و فراتر از آن جزیره العرب، شناخت چگونگی حج گزاران، آداب و رسوم در حج، فرهنگ و منش های مردمان و ملت های مختلف و ... بسی سودمندند. ایرانیان در این آثار ارجمندی به نظم و نشر سامان داده اند. فهرستی از این آثار می تواند تلاش ارجمند مؤمنان را در حج گزاران و ثبت و ضبط یادها و خاطره و تبیین چگونگی های آن نشان دهد (ر. ک: مقالات تاریخی، رسول جعفریان، ج ۳، ص ۳۲۶؛ مقاله «سیاحتگری و فرهنگنامه نویسی»).

مرآت الحرمین نگاشته رفعت پاشا از نظامیان بلند پایه دوره عثمانی از جمله این سفرنامه هاست. وی نخست بار به سال

را گزارش کرده است (ص ۱۵-۷۳).

شستشوی کعبه آیینی است شکوهمند که همه ساله - اکنون نیز - انجام می‌شود. مؤلف چگونگی این مراسم را و حضور مردم در آن هنگامه، و اشتیاق مردمان در متبرک ساختن اشیاء به کعبه و تلاششان برای فراچنگ آوردن ابزاری که در این مراسم به کار گرفته می‌شده است و ... گزارش کرده است. مؤلف می‌گوید در ماه رجب روز اول درب کعبه را برای مردان و روز بعد برای زنان می‌گشوند، و زائران به اندرون کعبه می‌رفتند و توشه معنوی برمی‌گرفتند (ص ۸۳-۸۴). پس از آنچه یاد کردیم مؤلف کوچ‌به‌سوی عرفات و منا را گزارش کرده است. در گزارش عرفات و منا جاهای تاریخی آن را شناسایی، و شناسانده و از مساجدی مانند، مسجد خیف، کوثر، کبش بحث کرده و گاه با نقل گفته‌های دیگران آنها را نقد کرده است (ص ۸۸). گزارش چگونگی ورود حاجیان به صحرای عرفه، و حال و هوای وصف ناپذیری که مردمان داشته‌اند، جالب و خواندنی است، بویژه اینکه مؤلف این گزارش و لیک‌گویی را با اشعار دلپذیر ابونواس در تلبیه:

الهننا ما أعد لک  
ملیک کُل من ملک

در آمیخته است. چگونگی ورود به مشعر و آنگاه «افاضه» به منی و سپس آیین‌ها و مراسمی که در منی شکل می‌گرفته است و ... در صفحات بعدی گزارش شده است (ص ۸۴-۱۱۲). روز ۱۶ ذیحجه سال ۱۳۱۸ و پس از مراسم حج نویسنده در جمع افسران همراهش به «غار حرا» رفته و چگونگی آن را به دقت گزارش کرده است. سپس دیدارشان از «غار ثور» را گزارش کرده و در ضمن آن روایاتی در فضیلت خلیفه اول آورده است که مترجم بدرستی در پانوشته به سستی روایات و موضوع و معجول بودن آنها اشاره کرده است. (ص ۱۱۲-۱۲۲) مؤلف در پایان این بخش از آداب و رسوم مکیان پس از اتمام حج و چگونگی حج‌گزاری، مشکلات و دشواری‌های آن سخن گفته است که به لحاظ تاریخی خواندنی است (ص ۱۲۵-۱۳۹). پس از آنچه آمد مؤلف به معرفی مکه پرداخته است، چگونگی شهر مکه در سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۲۵، نام‌های مکه، وضع جغرافیایی آن، خیابان‌ها و ساختمان‌ها، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، جاهای تاریخی مانند مولد رسول‌الله (ص)، خانه حضرت خدیجه، خانه زید بن ارقم، باغ شریف مکه، تأثیر سیل در ساختمان‌های مکه، عادات و رسوم مکبان، آب و هوای مکه، تجارت در مکه، آب‌های آشامیدنی مکه، تاریخچه «چشمه زبیده» و چگونگی آن در آن روزگار، تاریخ آب در مکه و

پیرامون آن ...، از جمله بحث‌های این بخش است که آکنده است از آگاهی‌های مستقیم و گزارش‌های میدانی دقیق با تصاویر گویا و دیدنی.

در سخن از مسجدالحرام، از موقع مسجدالحرام، نام و درب‌های مختلف آن، مناره‌های مسجد، تاریخ توسعه و ساختمان آن و تطورات ساختمان در گذرگاه تاریخ، مقام ابراهیم، اندازه آن، جایگاه مقام ابراهیم و نماز در پشت آن، چگونگی نمازگزاری در حرم، منبر مسجدالحرام، چاه زمزم و مصلاهی بانوان، بحث شده است (ص ۲۱۰-۲۶۳). در گزارش از مسجدالحرام، به کعبه این خانه دیرپا و آزاد و ارجمند پرداخته شده است و نام‌های کعبه، چگونگی کعبه و اندازه بنای کعبه و تطور ساختمانی آن در تاریخ، زینت‌های کعبه، آویزها و جواهرات اهدایی به کعبه گزارش شده است. (ص ۲۶۴-۲۸۹) کعبه از روزگاران کهن با پرده‌ای پوشیده می‌شده است، آوردیم که آغازین بخش این کتاب چگونگی دوخته شدن پرده کعبه در مصر و رساندن آن به مکه است. در فصلی مؤلف چگونگی پرده کعبه و مقام ابراهیم را به شرح آورده و نیز پرده‌هایی را که به درب‌هایی مانند باب التوبه و ... آویخته شده است، کلیدداری کعبه، عطرآمیزی کعبه، نماز پیامبر (ص) در کعبه، حجرالأسود، تاریخچه آن، و فضل و فضیلت استلام آن، از جمله بحث‌های این بخش است (ص ۲۸۲-۳۱۲).

چگونگی حج‌گزاری در روزگاران جاهلیت، موقع صفا و مروه، وضع جغرافیایی منی و عرفات، مساجد و اماکن تاریخی و بازار عرفات، در بخش دیگری از کتاب با دقت و به گونه‌ای کارآمد گزارش شده است (ص ۳۲۶-۳۶۵).

پس از آنچه آوردیم مؤلف به گزارشی از طائف پرداخته است و خلق و خوی و روش‌های زندگی و منش‌های اجتماعی آنان را برنموده است. این گزارش نیز خواندنی است، و با این بخش سخن وی از مکه پایان می‌پذیرد. بدین سان در پایان مؤلف بحث سودمندی سامان داده است درباره امیران و حاکمان مکه در طول تاریخ، که از آغازین روزهای ماه شوال سال هشت هجری و با امارت عتاب بن أسید آغاز می‌شود و یادکرد امارت خالد بن لوی که به سال ۱۳۴۳ و از سوی سلطان عبدالعزیز بن سعود به امارت منصوب شده بود، پایان می‌یابد (ص ۳۷۵-۳۹۲). چگونگی ورود کاروان به مدینه منوره، جشن و سرور به یمن ورود آنان، زیارت شهدای احد و مسائل دیگر مرتبط با کاروان و حاکم مدینه در آغاز سخن از مدینه آمده است و آنگاه مدینه منوره، موقع جغرافیایی آن، نام‌های آن، ساختمان‌های مدینه و سپس گزارش تفصیلی دقیق و خواندنی مؤلف از مساجد مدینه. مسجد قبلتین،

می مانند. بنابراین، نیاز به پژوهش های هرچه بیشتر در این زمینه همچنان محسوس است. کتاب ارزشمند «علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی» که توسط دکتر صادق آئینه وند در دو مجلد تدوین و نشر یافته است، از این نوع نگارش های کم نظیر است.

این کتاب در دو جلد تدوین شده است. جلد اول آن هفت بخش دارد که هر بخش نیز به چند فصل تقسیم می شود. نویسنده، در بخش اول با عنوان «تعریف تاریخ و فایده های آن» ضمن ارائه تعاریف لغوی و اصطلاحی تاریخ به ذکر فواید آن از دید مورخان مسلمان پرداخته است. وی با مرور و تأمل در آثار مورخان مسلمان فواید و کارآمدی های دینی، فرهنگی و دنیوی علم تاریخ را استقصا کرده و در پایان آن با نقل خلاصه مهدبی از دیدگاه میر خواند بلخی در مقدمه کتاب *روضه الصفا*، ده فایده مهم برای آن بر شمرده است که آموزنده است، مانند آگاهی از زندگی انسان های گذشته و عبرت آموزی از آن برای آینده، نشاط آور و ملالت زدا بودن، بالا بردن میزان قدرت تشخیص اشخاص، و اینکه «آگاهی از علم تاریخ سبب زیادی عقل و وفور فضل و صحت رأی و تدبیر می گردد» (ص ۳۵-۸۰).

نویسنده، در پایان همین بخش تحت عنوان «معامله علمای مسلمان با تاریخ»، بدون هیچ گونه تعصبی، کم اهمیت شمرده شدن علم تاریخ توسط علمای سده های پیشین اسلامی را به بحث گذاشته و به رغم پرداختن به نگارش های تاریخی و تولید متون اخباری و روایی پراهمیت، در طبقه بندی علوم نوعاً آن را نادیده گرفته و جایگاه بایسته ای را برای آن قائل نشده اند (ص ۸۱-۸۸).

بخش دوم با عنوان «اسلامیت علم تاریخ و اسباب پیدایش آن در اسلام» به تبیین اهمیت تاریخ از دیدگاه قرآن مجید و سیره نبوی پرداخته و آن دور را در شکل گیری این دانش اثرگذار اصلی دانسته و نظریه برخی از خاورشناسان مبنی بر «دخیله» و وارداتی بودن این علم در جهان اسلام را با استدلال رد کرده است. (ص ۹۱-۱۱۷).

بخش سوم با عنوان «ساخت ها و سبک های تاریخنگاری در اسلام» که در واقع از مهم ترین و اصلی ترین مباحث این کتاب است، به بررسی اشکال مختلف دانش تاریخ در میان مسلمانان و شیوه ها و سبک های مختلف تدوین تاریخی اختصاص یافته است. نویسنده در اینجا پنج شکل و سه قالب و سبک تدوین تاریخی را با عناوین «نگارش تاریخ بر محور حولیات»، «نگارش تاریخ بر محور موضوعات» و «شعر و تاریخ» مشخص گردانیده است (ص ۱۲۱-۲۳۴).

مؤلف در بخش چهارم کتاب با عنوان «شعبه ها و شاخه های تاریخ در اسلام» رشته ها و موضوعات کاملاً تخصصی

فتح، الأجابیه، رایه، ابی بن کعب و ... تمام این گزارش ها همراه است با تصاویری که به خوبی نشانگر وضع ساختمانی بناهاست در آن روزگاران (ص ۲۵۱-۴۷۳). یادی از کتابخانه های مدینه و تکیه های آن و گورستان ها از دیگر مباحث این بخش است. مؤلف در ضمن یادکرد مدینه به عادات و رسوم مردمان و آب و هوای شهر مدینه نیز پرداخته و مسجد نبوی را بتفصیل شناسانده و از تطورات ساختمان آن سخن گفته و به دقت آن را معرفی کرده است.

پایان بخش کتاب گزارش مراجعت از مدینه به مصر است و وصف منزلگاه ها که همه با دقت گزارش شده است و نیز وضع قاهره، کانال سوئز و ...

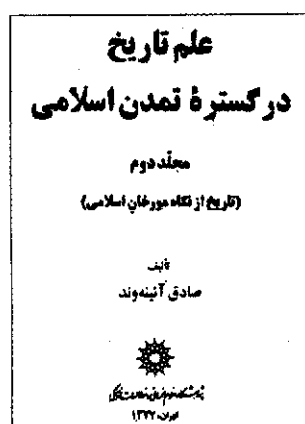
متن عربی *مرآة الحرمین* در دو جلد نشر یافته است؛ که نخستین بار آن به سال ۱۳۴۴ بوده است. مترجم محترم زواید کتاب را پیراسته و بخشی از آن را که ویژه احکام و مناسک بوده و صفحات بسیاری از کتاب را در بر گرفته بوده، و برای خواننده فارسی زبان شیعی سودمند نبوده، حذف کرده است و بدین سان کتاب با ترجمه ای روان در یک جلد عرضه شده است. چنانکه بارها اشاره کردیم کتاب رفعت پاشا از جهاتی شایان توجه است بویژه از جهت اطلاع از وضع دو شهر مکه و مدینه و جاهای تاریخی و چگونگی حج گزاران. اماکن غالباً همراه است با تصویرهایی گویا از وضع آنها در زمان نگارش کتاب که اکنون بسیاری از آن اماکن مقدس تاریخی دستخوش ویرانی شده و از آنها خبری نیست، و کتاب رفعت پاشا بهترین اثر برای آگاهی از چگونگی آنهاست.

محمدعلی مهدوی راد

علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی (۲ جلد). صادق آئینه وند، پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷، ج ۲، ۶۹۵ ص + ۴۳۸ ص.

مباحث نظری و تحلیلی مربوط به علم تاریخ در مقایسه با دانش های دیگر، در بین مسلمانان از قدمت و شکوفایی چندانی برخوردار نیست. به رغم انبوه نوشته های تاریخی، نگارش هایی از نوع مقدمه



این خلدون، المختصر فی علم التاريخ کافيجی، الشماريخ فی علم التاريخ سيوطی و الاعلان بالتويخ لمن دم اهل التاريخ سخاوی بسیار اندکند و به تک ستاره های درخشانی در آقیانوس آسمان بیکران

«ظفرنامه»، «تجارب السلف»، «تاریخ طبرستان و رویان و مازندران» مرعشی، «روضه الصفا»، «شرف‌نامه» بدلیسی و «حبیب السیر» آمده است (ص ۵-۸۴).

بخش دوم آن نیز برگرفته از کتاب‌های «الایام و الیالی و الشهور» ابن فرآء، «تجارب الامم» ابن مسکویه، «کامل» ابن اثیر، «طبقات الشافعیه» ابن سبکی، «الشماریخ فی علم التاریخ» سیوطی و «الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ» سخاوی و چند اثر دیگر برگرفته شده است (ص ۸۹-۴۳۸).

در مجموع دو جلد کتاب اثری بدیع و نو در مقوله مباحث نظری تاریخ در زبان فارسی است که هم برای اساتید و هم برای علاقه‌مندان و دانشجویان این رشته مفید و مناسب است، هر چند که مانند هر کتاب نو و علمی دیگری بی‌نیاز از نقد و معرفی دقیق نیست.

ابوالفضل شکوری

اقبالنامه، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش دکتر

سعید حمیدیان، نشر قطره،

تهران، ۱۳۷۶.

نظامی گنجه‌ای، شاعر بزرگ و برجسته ایران زمین، از جمله شاعرانی است که بر بسیاری از شعرا، در طی قرون مختلف، تا به امروز اثر گذاشته است. آن گونه که مثلاً شیوه اندیشیدن نظامی و پروراندن مطلب را در

## اقبالنامه

تصحیح و حواشی  
حسن وحید دستگردی

به کوشش  
دکتر سعید حمیدیان  
نشر قطره  
۱۳۷۶

منظومه‌های بلند و دراز دامن دکتر مهدی حمیدی، به کار بردن ترکیب‌های تازه و تراش خورده را در بسیاری از شعرهای فریدون توللی و شیوه مثنوی سرایی او را - هر چند پریده رنگ - در داستان قلعه سقریم نیما یوشیج توان دید.

«اقبالنامه» (خرندنامه) که با «شرفنامه» مجموعاً «اسکندرنامه» نامیده می‌شود؛ بخش آخرین از خمسه نظامی است که تازگی‌ها چاپ و منتشر گردیده است. مرحوم حسن وحید دستگردی (ف: ۱۳۲۱ ش.) که به نظامی و مثنوی‌های پنجگانه وی اعتقادی عمیق داشت؛ با گردآوری نسخه‌های خطی بسیار از خمسه، در طی مدتی مدید به تصحیح و تحشیه آن، همت گماشت و تا آنجا که در آن زمان، ممکن می‌بود؛ از هیچ گونه کوششی فروگذار نکرد.

البته خوانندگان آگاه می‌دانند که شعر نظامی به علت

تاریخنگاری اسلامی را در چهارده رشته کاملاً تخصصی مانند سیره‌نگاری، مغازی‌نویسی، فتوح و مقاسم، رده‌نگاری، انساب، طبقات و تراجم، مسالک و ممالک و غیره، طبقه‌بندی کرده است که البته برای صاحب‌نظران در چند و چون آن جای بحث و انتقاد هست (ص ۲۳۸-۳۶۲).

در بخش پنجم به معرفی دانش‌های کمک‌کار در تاریخنگاری اسلامی پرداخته شده و از مباحث مفید آن توضیحات رهنمودگرانه در باب دانش سیاق‌شناسی، حروف ابجد و حساب جمل، ارقام و غیر اینهاست که برای دانشجویان رشته تاریخ کارآمدی عملی دارد (ص ۳۶۷-۳۹۹).

بخش ششم که قسمت بسیار بااهمیت کتاب را تشکیل می‌دهد، تحت عنوان «مکتب‌های تاریخنگاری در اسلام» به طبقه‌بندی مکاتب تاریخنگاری جهان اسلام و خصوصیات هر یک از آنها، همراه با معرفی برجسته‌ترین چهرگان هر یک از این مکتب‌ها اختصاص یافته است. جای این بحث تاکنون در زبان فارسی خالی بوده و نگارش جامعی از مباحث آن در این کتاب ارائه داده شده است.

مؤلف محترم در این بخش پس از ارائه تعریفی از «مکتب» در تاریخ‌نویسی (ص ۴۲۵)، هفت مکتب تاریخنگاری یارز را مشخص ساخته و به معرفی رجال و متون متعلق به هر یک از آنها پرداخته است. این مکتب‌ها عبارتند از: مکتب تاریخنگاری حجاز (مدینه)، مکتب تاریخنگاری عراق (بصره)، مکتب تاریخنگاری یمن، مکتب تاریخنگاری شام، مکتب تاریخنگاری ایران، مکتب تاریخنگاری مصر و مکتب تاریخنگاری اندلس و مغرب. با اینکه مبنای تقسیم مؤلف در این کار «جغرافیایی» است که در بدایت ناقص به نظر می‌رسد، ولی با خواندن کتاب معلوم می‌شود که ممیزات محتوایی نیز کاملاً لحاظ شده است (۴۲۹-۶۰۷). بخش پایانی جلد اول نیز که در جای خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به تبیین «اصول تاریخنگاری و قواعد نقد تاریخ در اسلام» پرداخته است (ص ۶۱۲-۶۴۵).

جلد دوم کتاب نیز متون فارسی و عربی در باب مباحث و مسائل نظری تاریخ و تاریخنگاری است که از آثار تاریخی مورخان نامدار جهان اسلام (و اغلب از مقدمه کتب تاریخی آنان) برگرفته شده و در یکجا به صورت مطلوب تدوین یافته است، تا جویندگان این گونه بحث‌ها همه آنها را به راحتی در یک مجموعه در اختیار داشته باشند. این جلد نیز در دو بخش تحت عناوین «مورخان فارسی‌نویس» و «مورخان عربی‌نویس» تدوین یافته است. قسمت مربوط به مورخان فارسی‌نویس در بر دارنده «فوائدی» است که در مقدمه کتاب‌های «تاریخ بیهق»، «جغرافیای تاریخی» حافظ ابرو،

کم شناخته را، از مطالعات و اطلاعات دقیق وی نشان می دهد. مینوی که فرزند «آخوندی نجف رفته» بود و «همه قبیله وی عالمان دین بودند»، همه عمر خود را صرف «کتاب» کرد.

اکنون باعث خوشبختی است که بخشی از آن یادداشت های ارزشمند و بی نظیر با «سعه صدر هیأت محترم امنای کتابخانه، بویژه آقای ایرج افشار و نیز توجه خاص و پی گیری مداوم ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» به دست همت آقای مهدی قریب و آقای محمد علی بهبودی تنظیم و تبویب گردیده است که به «روش تحقیق تاریخ» و «رجال» اختصاص دارد.

هم اینجا باید گفت که قسمتی نه چندان کم از یادداشت های مرحوم استاد مینوی، در طی پانزده سالی که وی از ایران دور بود (۱۳۱۴-۱۳۲۹ ش.) توسط خدمتگزار خانه پدری - به تصور باطله و ناسودمند بودن، برای گیراندن اجاق و هیزم زیر دیگ، سوزانده شده است و آنچه اکنون هست؛ مربوط می شود به دوران اقامت ناگزیر در امدت در انگلستان و شش سالی (تا ۱۳۳۶ ش.) که برای یافتن نسخ خطی منحصر به فرد و ذی قیمت فارسی و عربی و تهیه فیلم و عکس از آنها، در ترکیه گذرانده و سال هایی پس از آن که غالباً در ایران بوده است تا بهمن ماه ۱۳۵۵ شمسی.

این یادداشت ها درباره مطالب گوناگونی است که آقای ایرج افشار، فهرست آن مطالب را به شیوه علمی و به تفکیک در مجله آینده (سال هفدهم، مهر-اسفند ۱۳۷۱ ش، شماره ۷-۱۲، صفحات ۴۶۷-۴۷۴) به چاپ رسانده اند. کتاب حاضر غیر از مقدمه گردآورندگان (هفت-پانزده) شامل این قسمت هاست:

توضیحات و نکته هایی درباره اختصارات (هفده- بیست و یک)، عکس یک صفحه از یادداشت ها به خط مینوی، روش تحقیق تاریخ (۱-۴۵)، عکس چند صفحه از یادداشت ها (۴۶-۴۹)، رجال (۵۱-۳۶۷)، فهرست منابع و مآخذ (۳۶۹-۴۰۳)، فهرست اعلام (۴۰۵-۴۹۲).

این یادداشت ها را، آن مرحوم، برای چاپ شدن ننوشته بوده است؛ بلکه غرض وی از تحریر آنها، استفاده شخصی، عنداللزوم بوده است. از این رو، برخلاف شیوه همیشگی و شناخته شده او، جرح و تعدیل و واخوانی نشده است و همان تحریر نخستین است که از زیر قلم نویسنده بیرون آمده است. امروزه، اشتغالات گوناگون و به کم دانی بسنده کردن و نخوانده ملاحظه شدن، مانع از این است که «استاد ما» با دقتی و سواس گونه، همچون مینوی، عیون الابناء ابن ابی اُصیبعه را و

برخوردار بودن از اطلاعات وسیع و عمیق ادبی، دینی و علمی و نیز سبک خاص نظامی در سخن گستری، گاهی حتی برای استادان واقعی نیز محتاج شرح و توضیح است.

در این طبع جدید، فهرست های کسان، جای ها و جانوران، بنابر دلیلی، حذف گردیده، ولی بقیه فهرس ابقا شده است.

گنج های پنجگانه نظامی، پر است از مواد ارزشمند و بیش بها که بایسته است پژوهشگران بلند همت با تحقیق و تتبع در باب آنها به شیوه علمی، تحقیقات ادبی را در سرزمین ما غنا بخشند و شیوه درست پژوهش را عملاً به خواستاران بیاموزند. آنچه تاکنون در باب مثنوی های نظامی به فارسی و دیگر زبان ها، پی جویی و کند و کاو شده است؛ مرد محقق بلند نظر را - که طالب بیشتر دانستن است - قانع نمی سازد.

کتاب از نظر چاپ و اندازه حروف و صفحه آرای و صحافی، با چاپ های پیشین به هیچ وجه، طرف نسبت نیست. اکنون که با توجه به اوضاع و احوال جهان، کشورهای تازه به دوران رسیده زیاده طلب، در پی آنند که بزرگان دیگر اقوام را به خود منتسب دارند؛ بر ماست که بیش از اینها سعی کنیم و هشیارانه در حفظ آنچه داشته ایم، بکوشیم. هر چند که بزرگان و متفکران بشری، متعلق به همه اقوامند؛ نمی توان دست روی دست گذاشت و گرسنه چشمی بعضی را نادیده گرفت.

\*

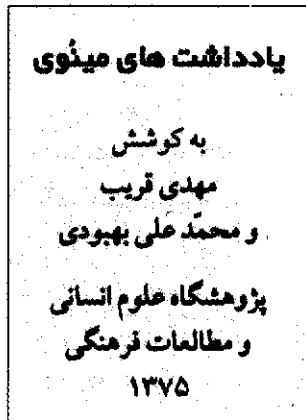
یادداشت های مینوی، به کوشش مهدی قریب و محمد علی بهبودی،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طهران، ۱۳۷۵.

وقتی در ششم بهمن ماه ۱۳۵۵ شمسی، مجتبی مینوی چشم از دیدار آفرینش فرو بست و به دیار باقی شتافت؛ کتب خانه ای از خود به جا گذاشت که بر طبق وصیت نامه ای آن را به رایگان

به مردم این سرزمین پیشکش کرده بود.

قیمت مادی این کتابخانه، بر طبق تقویم اهل فن در آن زمان، چیزی در حدود سی میلیون تومان بود. در این کتابخانه، جز کتاب های کم یاب و نایاب در باب ایران - که از بعضی حتی نسخه ای در کتابخانه های دولتی و خصوصی هم وجود نداشت و ندارد - یادداشت های عالمانه بسیاری است که آن دانشی مرد بزرگوار، به خط خوانا و روشن خویش نوشته است و گوشه ای





و كِيَاتِ الْاِعْيَانِ اِبْنِ خَلْكَانِ رَا وَ بُغْيَةَ الْوُهَاةِ سِيُوْطِي رَا ... بَخْوَانْد وَ از نكته های مهم هر يك یادداشت بردارد؛ آن گونه كه آیندگان را نیز به كار آید و در تحقیقات گوناگون بتوان از آنها سود جست و بدانها استناد كرد .

خلاصه اینکه، نتیجه مطالعه مستمر بیش از نیم قرن در متون و مآخذ فارسی و عربی و فرانسوی و انگلیسی و ترکی عثمانی و آلمانی، یادداشت های گرانبهایی است كه اکنون مجلد اول آن منتشر گردیده است . از نظر چاپ و كاغذ، اندازه و فاصله حروف و صحافی باید انصاف داد كه برای این كتاب زحمت بسیار كشیده شده است تا آنجا كه اغلاط مطبعی آن نیز اندك و در حكیم نبود است . با این همه چند نكته بسیار كوچك قابل تذكار به نظر می رسد :

در، ص ۱۰ ح «برگذار» نیز درست تواند بود .

در ص ۲۴ «بسط و تفصیل دار (= بسط دار و تفصیل دار) هم اصطلاح است و هم صحیح؛ پس نیازی نیست كه به جای «بسط»، «بسیط» آورده شود .

در ص ۴۵، ح ۱ «فراز آخر مطلب ...» دانسته نشد كه غرض از «فراز» چیست؟ زیرا، نه PHRASE انگلیسی در اینجا معنی مفیدی دارد و نه PHRASE فرانسوی و آلمانی . فراز فارسی هم كه دارای معانی معلوم و مشخصی است ...

در ص ۵۵ (متن و حاشیه) «فوجد» بر طبق قاعده درست است و حاجتی نیست كه آن را به صورت جمع (فوجدوا) برگرداند .

در ص «هفده» هم كلمه ABTEILUNG باید طبق قاعده آلمانی، با حروف بزرگ در آغاز، از چاپ برمی آمد؛ زیرا در آلمانی اسم مؤنث است برابر با : CLASSIFICATION، SECTION و DEPARTMENT در انگلیسی .

نیز در ص «بیست و يك» حرف اضافه آلمانی FÜR می بایست با حرف كوچك در اول، طبع می گردید .

مجموعه این یادداشت ها كه احتمالاً به بیست مجلد بالغ می گردد؛ ابزار دست محققان و مددكار پژوهندگان است . باید از خداوند درخواست كه به گردآورندگان كوشای این یادداشت ها كمك كند تا هر چه زودتر این كار دشوار و پر زحمت را به انجام رسانند . همان گونه كه بایسته است مسؤولان محترم وزارتخانه ای كه كتابخانه مینوی تحت نظر مراقبت ایشان اداره می شود؛ نسبت به تعمیر و مرمت كتابخانه و بنای آن و نیز رسیدگی به وضع رفاهی كارکنان آنجا و تهیه لوازم لازم امروزی جهت كتابخانه، لطف بیشتری مبذول دارند .

\*

از گذشته ادبی ایران، مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات بین المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۵ .  
بیش از پنجاه و اند سال است كه پیوسته، عبدالحسین زرین کوب قلم زده است و عمر و فرصت خویش را، یکسره، صرف مطالعه، تحقیق و تدریس کرده است .

### از گذشته ادبی ایران

مروری بر نثر فارسی  
سیری در شعر فارسی  
با نظری بر ادبیات معاصر

دکتر عبدالحسین زرین کوب

الهدی

۱۳۷۵

حاصل این همه تلاش، شماری بسیار كتاب و مقاله و رساله است كه بر اثر تعمق و تحقیق در كتاب هایی به فارسی، عربی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی و اسپانیایی، منتشر گردیده است و بدنی دردمند و فرسوده و درمان خواه .

از آخرین كارهای پژوهشی استاد زرین کوب «از گذشته ادبی ایران» است با عنوان های فرعی مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر كه توسط انتشارات بین المللی الهدی نشر یافته است .

به قول مؤلف محترم، (مقدمه، ص الف) «مروری بر گذشته ادبی ایران ... هر چند صورت گونه ای از تاریخ ادبی ایران را دارد، در حقیقت از همه حیث در چهارچوب آن نمی گنجد و در فراسوی محدوده تاریخ ادبی ایران، ناظر به شناخت عوامل و اسبابی كه در پیدایش مجموع میراث فرهنگ ایرانی، تأثیر داشته است نیز هست .

این كتاب گذشته از «مقدمه» كه تا صفحه «ث» را دربر دارد؛ به ۹۲ بخش تقسیم شده است ك بخش ۱ تا بخش ۵۲ (=) تا ص ۲۱۴) به بحث در باب نثر فارسی اختصاص یافته است و بخش ۵۳ تا بخش ۹۱ (= ص ۵۴۰) مربوط می شود به شعر فارسی؛ بخش ۹۲ كه «نیم نگاهی است بر آنچه در دنبال گذشته روی داده است» یعنی شعر و نثر در عصر حاضر (= ص ۵۴۱ تا ۵۶۵) استاد، به حق در این بخش می نویسند (ص ۵۴۱) : «اگر ادبیات امروز ما - آن گونه كه بعضی گزاف پردازان پنداشته اند - نتیجه منطقی گذشته نباشد؛ بدون شك چیزی جز سرهم بندی بر پشتوانه ای نخواهد بود و با جامعه و عصر و تاریخ هم ارتباطی نخواهد داشت .»

صفحات ۵۶۷ و ۵۶۸ به «كتابنامه» و از ص ۵۶۹ تا ۵۸۸ به «نامنامه» مخصوص گردیده است .

نثر روان، ساده، یكدست و جاندار نویسنده، خواننده را

جایگاه و به دور از حقیقت و نیز بر آن همه ردّ و انکار غیر منطقی، خط بطلان می کشد.

اما در پاسخ به پرسش مقدّر خواننده ای دقیق و نکته یاب که: «اگر استدلال و استنباط و تحقیق استاد، مطابق با واقع است و تو، که این سطرها را نوشته ای و امثال تو، آن را تأیید می کنی؛ پس چرا جدیداً در کتاب های درسی مدارس، آن همه صفحه به «نیما» اختصاص داده شده و آن همه حرف های قشنگ درباره وی گفته شده تا آنجا که در تقسیم بندی شعر فارسی، شعر معاصر را «عصر نیما» نامیده اند؟»

باید گفت که: افلاطون عزیز است، اما حقیقت از وی عزیز تر است و نیز: «ما علی الرسول...».

\*

فارسی هروی، زبان گفتاری هرات، تألیف محمد آصف فکرت،

انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۶.

مطالعات کتاب بجز دیباچه شامل: آریا= هری= هرات و فارسی هروی (ص ۳-۱۰)، نشانه های آوانگاری در تلفظ هرات (ص ۱۱ و ۱۲)، آواشناسی (۱۳-۲۴)، ویژگی ها و دیگر گونی های دستوری (۲۷-۵۸) و اژه های رایج در فارسی

## فارسی هروی

### زبان گفتاری هرات

تألیف

محمد آصف فکرت

دانشگاه فردوسی مشهد

۱۳۷۶

هروی (۱۹۰۶۱)، نمونه هایی از سخن فارسی هروی در قالب امثال (۱۹۱-۲۸۸)، برخی از واژه های متداول در فارسی هروی در چند متن کهن فارسی (: بررسی چهار متن کهن فارسی با توجه به لهجه هروی امروز. (ص ۲۹۱-۳۱۴)، برخی از واژه های متداول فارسی هروی امروز در شعر شاعران متقدم (ص ۳۱۵-۳۳۳) و واژه های هروی قابل مقایسه با پهلوی (ص ۳۳۵-۳۳۷) است.

مؤلف محترم در بخش «آریا= هری=...» به درستی می نویسد: «لهجه هروی از کهن ترین و پرسخن ترین گونه ها یا لهجه های زبان فارسی دری است که پژوهش و بررسی آن برای پژوهشگران زبان فارسی و محققانی که با متون کهن فارسی سرو کار دارند، به دلایل متعدد لازم و دارای اهمیت است.»

بر این سخن باید افزود که گذشته از لهجه هروی، دو لهجه مهم دیگر در فارسی افغانی یعنی «کابلی» و «هزاره جات» نیز به همین نوع دارای ارزش و اعتبارند. چه، برای فهمیدن و فهماندن بعضی از لغات و اصطلاحات و جملات در متون کهن فارسی، چاره ای جز این نیست.

وامی دارد تا بخش به بخش، مطالب کتاب را دنبال کند تا به انجام رساند. خاصه آنکه محتویات کتاب، نه تکرار مکررات است و نه نقل آنچه تذکره نویسان در «گذشته ها» از روی شیفتگی و بی دقتی نوشته بوده اند؛ بلکه دریافت و برداشت شخص نویسنده است که چه بسا طرفگی ها و تازگی های بسیار، در آن توان یافت.

به عنوان نمونه، آنچه در این کتاب، درباره «نیما یوشیج - علی اسفندیاری - معروف به امین آقا آمده است (ص ۵۴۸-۵۵۲) روشنگر این نکته است که نویسنده استاد با مطالعات عمیق و دقیقی که در ادبیات اقوام اروپایی خاصه فرانسوی دارد؛ از روی بی طرفی به داوری پرداخته است (ص ۵۴۹ و ۵۵۰): «نیما که با وجود تمرین های متعدد در آنچه خودش شعر خراسانی می خواند... توفیقی نیافت؛ از این رو، این تجربه پیوند بین شعر اروپایی و شعر ایرانی را که در «افسانه» به آن رسیده بود، دنبال کرد، در مبانی مکتب رمانتیک، سمبولیک و تا حدی شیوه سوررئالیسم فرانسه مطالعه کرد و با تأمل در قالب بندی های شاعران فرانسه و بررسی در مسأله ارزش احساسات در شعر، تدریجاً اشعار تازه ای بر شیوه شعر اروپایی رایج عصر به وجود آورد که در آنها، چیزی از حیات کوه نشینان و شبانان کوچگر سرزمین اجدادی خود او، نور و یوش در قالب هایی مأخوذ از شعر امثال «شارل بودلر»، «استفان مالارمه» و لوکت دولیل شکل گرفت.

زندگی شبانان کوهستان های نور و بخشی از لغات و عادات و رسوم و خرافات آنها هم در نوعی ایهام رمزی و دشواریاب منعکس شد و عنوان هایی از آنچه در شعر رمانتیک های فرانسوی معمول بود، برای آن اشعار اخذ شد و از زندگی کوهستان های یوش هم عنوان هایی چون «ماخ اولاه»، «مانلی» و امثال آنها به کار رفت... و چون در طرز بیان پیچیده و شیوه آکنده از ایهام و ابهام غالباً نامفهوم او، سانسور عصر مجال نفوذ نمی یافت، چیزی هم از محنت محرومان، ستم زدگان و دردمندان آن کوهستان ها - که تهدید و تجاوز و سوءظن عمال اختصاصی شاه در آن ایام زندگی آنها را سخت تر می ساخت - در آن اشعار منعکس شد، شعر نیمایی در شکل جدید که... بیشتر به یک ترجمه لفظی نامفهوم از یک شعر اروپایی شباهت داشت؛ ته رنگ خفیف انتقادی و اجتماعی هم پیدا کرد... این نخستین بار است که مردی صاحب صلاحیت در کار نقد ادبی با داشتن آگاهی های شگرف از شعر و ادب فرانسه، با بی طرفی و دوری از هر نوع شیفتگی، درباره «شعر نیما» به نقد می پردازد و با زبانی رسا، روان و روشن، به درستی ماهیت و کیفیت شعر نیما را باز می نماید و با «دلالتی قوی و معنوی» بر آن همه تجلیل نا بر

فارسی تاجیکی و گونه‌های مختلف آن نیز دارای چنین وضعی است. اما متأسفانه در مهم‌ترین فرهنگ‌هایی که در زمان ما، تألیف شده است - لغت نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین - به وجه من‌الوجه به این امر توجه نشده است. یعنی نه تنها به گردآوری واژه‌ها و مصطلحات فارسی تاجیکی و افغانی از بطون کتب، توجه نشده است؛ حتی از فارسی دان‌های استاد آن سرزمین‌ها هم برای کار طاقت فرسای لغت‌نویسی یاری خواسته نشده است. ... مؤلف در شناساندن کتاب تحقیقی خود، از جمله می‌نویسد (ص ۹): «دفتر حاضر کوششی است مختصر در شناسایی فارسی هروی که به دستور دوستان دانشور انجام پذیرفته است. این پژوهش در چهار بخش دستور، واژه‌نامه، بررسی‌های مقایسه‌ی تاریخی و امثال مرتب گردیده است.»

آنچه در چهار بخش کتاب آمده است، کم و بیش در دیگر گونه‌ها و لهجه‌های فارسی نظایری دارد که تفاوت آنها، گاه به صورت جزئی در تلفظ است و گاه در استعمال؛ مثلاً پسوند «ست» که در فارسی هروی، اسم صوت می‌سازد؛ در فارسی تاجیکی به شکل «اس» به کار می‌رود و گذشته از ضبط «طرکست» در طبقات الصوفیه - که یاد کرده شده - در پاره‌ای دیگر از متون قدیم نیز چنین کاربردی وجود دارد؛ مثلاً در تفسیر قرآن کمبریج، تفسیری بر عشری از قرآن، تفسیر بصائریمینی، ترجمه و قصه‌های قرآن، تفسیر شفقشی، ترجمه قرآن موزه پاریس، کشف الاسرار و ... در واژه‌ها هم، وضع بدین متوال است؛ به عنوان مثال: «پُرسه ص ۳۶»، «سیل کردن ص ۳۸»، «لخشدن ص ۳۹»، «گندنا ص ۳۳۷» و ... در فارسی شیرازی با اختلافی اندک در تلفظ کاربرد دارد. «شاریدن ص ۳۸»، «فاریدن ص ۳۹»، «پاره ص ۷۹»، «پالیدن ایضاً ص ۷۹»، «جرست ص ۹۵» و ... در فارسی تاجیکی به کار برده می‌شود.

بعضی از ضرب‌المثل‌های مندرج در کتاب، عیناً با اندک اختلافی در تلفظ، در بعضی از لهجه‌های فارسی ایرانی مانند «قمی» وجود دارد.

در بخش «واژه‌های متداول فارسی هروی امروز در شعر شاعران متقدم» و «واژه‌های هروی قابل مقایسه با پهلوی» نیز شواهدی بسیار می‌توان افزود؛ مثلاً «مزغ MAZG» ص ۱۷۴ عیناً هم در «پهلوی» وجود دارد و هم در ترجمه تفسیر طبری.

زحمتی که مؤلف محترم کشیده و رنجی که متحمل گردیده است؛ بر آنها که به کار لغت‌نویسی و بررسی واژه‌ها و تحقیق در متون فارسی، سرگردند؛ پوشیده نیست. باید از ایشان سپاسگزار بود که بخشی از سرمایه لغوی و زبانی «پدرانمان» و «پدرانشان» را با قید در این دفتر، از خطر نابودی رهانیده‌اند و می‌توان انتظار

داشت که در چاپ دوم بر این گنجینه ارزشمند افزوده شود. زبان فارسی و لهجه‌های مختلف آن، در این جهان پر آشوب و هیاهو، سند ملیت ماست. سند ملیت ما، هم زبانان هم نژاد است. خاصه در روزگاری که «نژادگرایی» مانند خوره روح ملت‌ها را می‌خورد و آنها را به جان هم می‌اندازد. با وجود داشتن دشمنانی نادان و کینه‌ور در مقابل زبان فارسی فارسی زبان‌ها، باید در حفظ و وسعت بخشیدن به زبان فارسی صمیمانه کوشید و تألیف چنین کتاب‌هایی، یکی از راه‌های مبارزه با دشمنان اغواگر انسان ستیز است.

به هر حال، این کتاب و تألیفات آقای دکتر عبدالغفور روان فرهادی - لهجه تاجیکی؛ زبان گفتاری کابل - و چند کتابی که قبل از گرفتاری‌های اندوهبار کنونی هم‌زبانان افغانی، تألیف شده است - خصوصاً نخستین این کتاب‌ها که «لغات عامیانه فارسی افغانستان»، تألیف عبدالله افغانی نویسنده - گذشته از کمکی که به فهم درست بعضی از کتاب‌های دیرینه سال فارسی می‌کند؛ رشته‌های علقه و همبستگی فارسی زبان‌ها را استوارتر می‌سازد.

بدین ترتیب می‌بینیم، قدم مهمی که «عبدالله افغانی نویسنده» با تألیف «لغات عامیانه ...» در سال ۱۳۳۵ ش. برداشته بود؛ پیروان و هم‌گامانی یافته است که هر یک با صرف بخشی از عمر خویش، درخت تناور و گشن زبان فارسی را سرسبزی و طراوتی تازه بخشیده‌اند.

کتاب نسبتاً کم غلط از کار درآمده است؛ با این همه لازم است که بعضی اغلاط چاپی مانند «اصلمن زاده ص ۶۶»، «بجول ص ۷۳»، «خشتمال ص ۱۰۸» و ...؛ «ذغال» لا اقل در سه مورد، از جمله در ص ۸۰؛ «مسگر»، ص ۱۸۰ و ... در چاپ بعد اصلاح گردد.

\*

وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، تألیف آرتور

کریستنسن، ترجمه و تحریر  
مجتبی مینوی، پژوهشگاه علوم  
انسانی و مطالعات فرهنگی،  
تهران، ۱۳۷۴ ش.

این کتاب ترجمه‌ای است  
از: L'EMPIRE DES SAS-  
SANIDES, LE PEUPLE,  
L'ÉTAT, LE COUR که  
ایرانشناس خوشنام و نسبتاً  
منصف دانمارکی، آرتور

**وضع ملت و دولت  
و دربار در دوره  
شاهنشاهی ساسانیان**  
تألیف  
آرتور کریستنسن  
ترجمه و تحریر  
مجتبی مینوی  
۱۳۷۴

کریستنسن، آن را در سنه ۱۹۰۶ میلادی به زبان فرانسوی تألیف کرده بود و نخست بار در ۱۳۱۴ شمسی به دست مرحوم مجتبی



ص ۷۷) مربوط می شود به «اداره»؛ باب چهارم (از ص ۱۰۷) «ملخص تکامل سیاسی زمان ساسانیان» است؛ باب پنجم (از ص ۱۲۳) به «شاه و دربار» و سرانجام باب ششم (از ص ۱۵۷) به «صفات مشخصه ایران باستان از حیث معنویات و آداب» اختصاص داده شده است؛ ضمیمه «(از ص ۱۶۵) و «فهرست عام» (۱۶۹-۱۹۱) قسمت های پایانی کتاب است.

در دیباچه مؤلف می خوانیم که: «درین کتاب کوشیده ام که به قدر امکان از نظام اجتماع و نظم و ترتیب عمومی ایران و آیین و آداب ایرانیان در زمان ساسانیان شرح کاملی بدهم. عهد ساسانی، عصری از تاریخ است که ... در حکم واسطه میان حضارت قدیم مشرق زمین و تمدن اسلامی است. با این توضیح صریح، غرض از تألیف کتاب و مطالب آن، برای خواننده، به خوبی روشن می شود. کتاب کریستنسن، نخستین کتاب مستقل و خواندنی در باب ساسانیان است که پس از نود و اند سال که از تألیف آن می گذرد؛ هنوز اعتبار خود را حفظ کرده است. اگر چند، بعدها کسانی دیگر نیز درباره این دوره از تاریخ ایران کتاب هایی چند نوشته باشند؛ مانند «اینسترنف»، «سعید نقیسی» و «علی سامی».

البته قبل از اینها، تنها تاریخ معتبر در این باره، قسمت ساسانیان «ایران باستانی» و «ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان» بود که هر دو از تألیفات حسن پیرنیا «مشیرالدوله» است. اکنون بد نیست که برای آشنایی خوانندگان این سطور با طرز تفکر شاهان این سلسله، داستانی کوتاه را که مؤلف به نقل از «طبری» در فقره ۲۱۱ کتاب آورده است، به نثر امروزی بخوانیم:

خسرو اول بار عام می دهد و به دبیر خراج می گوید تا قانون خراج را که بر انواع غله ها و نخل و زیتون و مردم وضع شده است، با صدای بلند بخواند. سپس می پرسد: درباره خراجی که بر هر جریب مزروع و گزیتی که بر سرهای مردم می خواهیم وضع کنیم، چه می گوید؟

همه سکوت می کنند تا با رسوم که شاه، پرسش خود را تکرار می نماید، مردی برمی خیزد و پس از به زبان آوردن سخنان احترام آمیز می گوید:

آیا می خواهی خراجی جاودانی بر چیزهای فاسدشدنی وضع کنی که با گذشت روزگار، کار خراج به ظلم و جور بینجامد؟ شاه فریاد می کند که: ای مردك شوم گران جان! تو از کدام طبقه مردم هستی؟ پاسخ می دهد: از دبیران [=نویسندگان]. شاه دستور می دهد او را آن قدر با قلمدان فلزی بزنند تا بمیرد ... «مترجم، کتاب را از نسخه ای با اصلاحات و حذف

مینوی، به فارسی فصیح ترجمه گردیده و توسط «کمسیون معارف» در «مطبعة مجلس» به چاپ رسیده بوده است.

هر چند، این کتاب که به وسیله پژوهشگاه علوم انسانی و ... چاپ شده، طبع دوم کتاب است که مدتی پیش از این منتشر گردیده است، در حقیقت باید طبع نخست به شمار آید، بنا بر توضیحاتی که اکنون به عرض می رسد:

از سال ۱۳۰۲ شمسی، کمیسونی موسوم به «کمسیون معارف»، به عضویت ده نفر، در وزارت معارف (= وزارت فرهنگ سابق = وزارت آموزش و پرورش کنونی) تشکیل می شود که با جمع آوری «اعانه» به فراهم آوردن وسائل تألیف و ترجمه بعضی از کتب مفید پردازد و حاصلات فروش کتب، به مصارف تألیف و ترجمه و طبع کتب سودمند دیگر برسد.

این کتاب، هفدهمین کتاب از دوره نشریات کمسیون معارف بوده است که مجتبی مینوی به دستور اعضای کمسیون مزبور و عقد قرارداد رسمی، به ترجمه آن دست می یازد.

کتاب مراحل مختلف چاپ را طی می کند و آماده انتشار می گردد که به امر «وزارت دربار» از پخش و نشر آن جلوگیری می شود.

مینوی، پس از آنکه، این در و آن در می زند و نتیجه ای نمی گیرد و می بیند که «هوا پس است» با فروختن کتاب ها و ابزار کار خود، بدون اطلاع بستگان و دوستان، فرار آبه لندن می رود. از لندن، به وزارت معارف، وزارت دربار و اشخاص ذی نفوذ مختلف نامه می نویسد تا علت توقیف کتاب را دریابد.

نتیجه این می شود که بر طبق دستور وزارت دربار، بانک، پولی را که خانواده اش می خواست برای گذران زندگی او به انگلستان بفرستد، قبول نمی کرد و وزارت معارف هم او را منتظر خدمت نمود و حقوقش را هم توقیف کرد ...

اما نسخه های چاپ شده کتاب که ناچند سالی قبل از انقلاب اسلامی، در یکی از زیرزمین های وزارت آموزش و پرورش (فرهنگ سابق و معارف اسبق) خاک فرسود و زندانی شده بود، سرانجام پس از نزدیک به چهل سال اسارت، رهایی پیدا کرد و معدود نسخه هایی از آن که سالم مانده بود، توسط یکی از کتابفروشان مقابل دانشگاه طهران به فروش رسید.

اما در چاپ حاضر، پس از «سخن مترجم» (ص ۷) و «دیباچه مؤلف» (ص ۹ و مابعد)، «مقدمه» آمده است با دو عنوان فرعی: الف- عصر پهلوی ب- دین زرتشتی قبل از جلوس ساسانیان (ص ۱۱ به بعد) سپس شش باب اصلی کتاب شروع می شود که باب اول (از ص ۲۹) در باب «رعیت» است و باب دوم (از ص ۶۹) عنوان «خانواده و اجتماع» دارد؛ باب سوم (از

فهرست می‌آورد و با این کار خویش نشان می‌دهد که از کدام راوی در اصول پنجگانه رجالی یاد شده و از کدام راوی، تنها در یکی از این کتاب‌ها ذکر می‌شود. جالب آنکه مؤلف بزرگوار تصریح می‌کند که: بسیاری از رجال و روایات، در کتاب‌های نجاشی و شیخ طوسی و علامه حلی در غیر باب خودشان مذکورند و او با جستجوی بسیار بر نام آنها آگاهی یافته و از آنها در باب مختص خودشان: صحاح، حسان و موثقین یاد کرده است. اما بحث درباره ضعاف را او با استفاده از کتاب‌های رجال نجاشی و خلاصه علامه، دنبال کرده و نام کسانی را هم که در این دو کتاب نیامده-ولی در کتاب‌های شیخ طوسی مذکور است- در فصلی جداگانه فهرست کرده است.

نیز وی بر کتاب رجال حسن بن علی ابن داود-با وجود حسن ترتیب- به علت کثرت اغلاط و قلت ضبط اعتماد نکرده و از آن-جز در برخی موارد به عنوان شاهد- استفاده نکرده است. مؤلف در پایان هر اسم، با «قلت» به ترجیح و رد مطالب می‌پردازد و با نقادی تمام به تحقیق مطلب می‌پردازد و حال شخص را به خوبی روشن می‌سازد. او خود می‌نویسد: «اگر در کتابم نظر افکنی، خواهی دید که در این کتاب فواید گوناگون گرد آمده- که در هیچ کتابی از آنها ذکر نشده- و لب مطالب پیشینیان- که به دست آوردنشان از کتاب‌های دیگر سخت است- همه یکجا فراهم آمده است» (ج ۱، ص ۹۸).

مؤلف در مقدمه به ذکر مطالبی ارزنده می‌پردازد، که عبارتند از:

۱. تعریف و بیان موضوع علم رجال.
۲. الفاظ جرح و تعدیل (و بحث دقیق درباره هر یک از الفاظ).
۳. وجه تقدیم جرح بر تعدیل (اگر درباره کسی هم جرح و تعدیل آمده باشد).
۴. لزوم شهادت عدلین در تزکیه راوی و عدم اکتفا به شاهد واحد.
۵. اگر کسی پس از استقامت حال، خلط نماید، سخنان و روایات حال استقامتش پذیرفته می‌شود.
۶. وجوه تشخیص راوی در صورت اشتراك اسمی (با استفاده از طبقات).
۷. مذاهب هفتگانه شیعه (زیدیه، کیسانیه، فطحیه، ناووسیه، واقفیه، اسماعیلیه و امامیه).
۸. کنیه‌های ائمه اطهار- علیهم السلام.
۹. فرق اصل و نوادر.
۱۰. ابن الغضائری کیست؟

و اضافات مهم مؤلف ترجمه کرده است که در بعض جاها، با نسخه چاپی تفاوت‌هایی دارد. نیز در مواردی که رجوع به مآخذ اصلی فارسی و پهلوی و عربی می‌کرده است، متابعت از مآخذ را بر ترجمه گفتار مؤلف ترجیح داده است.

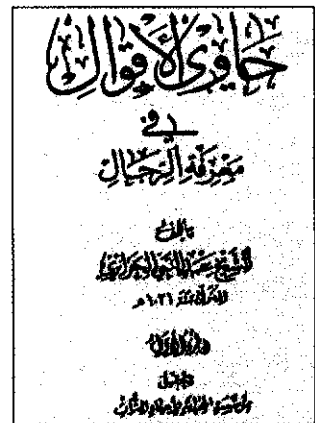
گفتنی است که مؤلف، کتابی دیگر در همان روزگاران در باب تاریخ تمدن ایران در زمان ساسانیان تألیف کرده بود که در سنه ۱۳۱۷ شمسی، با نام «ایران در زمان ساسانیان» به ترجمه شادروان غلامرضا رشید یاسمی، در طهران به چاپ رسید و تاکنون دست کم چهار بار تجدید طبع شده است، بی‌آنکه بعضی از اغلاط آن اصلاح گردد.

علی محمد هنر

حاوی الاقوال فی معرفة الرجال. شیخ عبدالنبی جزائری. تحقیق:

مؤسسة الهدایة لإحیاء التراث. قم، ریاض حبیب الناصری، ۱۴۱۸ ق. وزیری، ج ۴: ۲۲۵۰ ص.

این کتاب از جمله آثار ارجمند و مهم دانش رجال است. مؤلف آن فقیه، محدث شیخ عبدالنبی جزائری (م ۱۰۲۱) از عالمان بزرگ و مورد توجه روزگار خویش است.



وی با آگاهی‌های گسترده حدیثی و رجالی اش دست به تألیف این کتاب زد و به خوبی از عهده برآمد، به گونه‌ای که از زمان تألیف تاکنون مورد توجه علما و محققین پس از خویش قرار گرفت (ر. ک: روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۶۹؛ منتهی المقال، ج ۱، ص ۲۲۷؛ زادالمجتهدین، ج ۲، ص ۱۹۶). مؤلف بزرگوار کتاب خود را بر چهار بخش تقسیم کرده است: صحاح، حسان، موثقین و ضعاف.

نخستین بار است که عالمی رجالی، کتابش را بر چهار قسم منقسم کرده، زیرا کتاب‌های پیشینیان یا بر دو قسم بود (حسان و ضعاف) و یا اصلاً تقسیم نشده بود.

مؤلف در این کتاب، عنایت فراوان به سخنان ابوالعباس نجاشی و شیخ الطائفه طوسی و علامه حلی داشته است. وی ابتدا سخن نجاشی را- بدون تغییر در عبارت و با حذف طُرُق و اسانید- و سپس قول علامه را در «خلاصه الاقوال» ذکر می‌کند، و پس از آن عبارات شهید ثانی- اگر در مورد راوی مشخص یافت شود- و سخنان مرحوم شیخ طوسی را در دو کتاب رجال و

سعیشان مشکور باد.

جناب استاد حجة الاسلام والمسلمین آقای ریاض الناصری در مقدمه کتاب، به گونه مفصل (۹۰ صفحه) از مؤلف و کتاب و اولاد و احفاد و تألیفات وی و دیگر خانواده‌ها و بیوت علمی جزائر جنوب بصره، سخن گفته و به خوبی حق مطلب را ادا کرده است. گفتنی است که مؤسسه الهدایة، تاکنون علاوه بر **حاوی الاقوال**، **عُدَّة الرجال** سید محسن اعرجی را نیز منتشر ساخته و اکنون در کار تحقیق و انتشار رجال و سیط استرآبادی، خلاصه **الاقوال** علامه حلی، رجال ابن داود و اتقان المقال شیخ محمد طه نجف است.

ناصرالدین انصاری قمی

### فهرست نسخ خطی غرب افریقا و اروپای شرقی.

مؤسسه میراث اسلامی الفرقان از طریق تلاش‌هایی با هدف شناسایی، فهرست برداری و مطالعه نسخه‌های خطی اسلامی، میراث ارجمندی که اصالت ریشه دار تمدن دیرپای اسلامی را در طول قسرون می‌نمایاند، (ر. ک: بنیاد میراث اسلامی الفرقان، شماره ۴۹ ص ۸۴ آینه پژوهش). توجه

### فهرست نسخ خطی

### غرب آفریقا

### و اروپای شرقی

### بنیاد

### میراث اسلامی الفرقان

مؤسسه به طور عمده به تدوین و طبقه بندی نسخه‌های اصلی اسلامی در سرتاسر دنیا معطوف است، به خصوص در مناطق جنگی و مناطقی که برای طبقه بندی و حفاظت آنها تصمیم‌های ضروری وجود ندارد.

در چهارچوب این تلاش‌ها مؤسسه کتابشناسی مفصل از مجموعه‌های شناخته شده نسخ خطی و پاره‌ای از مجموعه‌های بسیار مهم ولی فراموش شده، تنظیم کرده و بدین وسیله آنها را از بی توجهی نجات داده است.

مؤسسه توجه خود را به کشورهای غرب افریقا معطوف داشته است؛ کشورهای که انباشته از مجموعه‌های ارزشمند نسخه‌های خطی است و هیچ‌گاه فرصت مرمت و بازسازی، طبقه بندی یا فهرست برداری از آنها یافت نشده است. همچنین کشورهای جنوب شرقی اروپا و منطقه بالکان از جمله آلبانی، منطقه‌ای که میراث اسلامی در آن در معرض تلف واقع شده است. در محدوده این کوشش‌ها مؤسسه در حال حاضر فهرست‌های زیر را چاپ کرده است:

سپس مؤلف محترم به ذکر رجال صحاح، حسان، موثقین و ضعاف، بر طبق حروف الفبا می‌پردازد. او در بخش صحاح-که به وثاقت ایشان تصریح شده است- از ۷۶۳ نفر (پس از پایان پذیرفتن این بخش به ذکر جماعتی که تنها در خلاصه علامه مذکورند و سپس به ذکر مشایخ و بزرگان شیعه پس از زمان شیخ طوسی پرداخته است. ر. ک: ج ۲، ص ۸۴-۸۷) و در بخش حسان و ممدوحین-که تصریح به وثاقت آنان نشده- از هشتاد نفر (و در خاتمه این فصل از گروهی از اولیا و خواص امیرالمؤمنین و اصحاب او از قبیله ربیع و یمین یاد می‌کند) و در رجال موثق-که با فساد عقیده شان، به توثیق آنان تصریح شده است- از ۶۲ نفر و در بخش ضعفا- اعم از مجهول الحال و ممدوح- از ۱۱۶۸ نفر یاد می‌کند (که مجموع همه این افراد، به ۲۳۵۸ نفر بالغ می‌شود).

مؤلف در خاتمه، چند تنبیه ذکر می‌کند:

۱. کنیه‌ها و لقب‌های معروف افراد (ج ۴، ص ۴۱۰-۴۴۰).
۲. ابو جعفر، استاد سعد بن عبدالله کیست؟ (ص ۴۴۱).
۳. توضیح بعضی از اسناد (ص ۴۴۱-۴۵۰).
۴. توضیح اشتراك در اسم (ص ۴۵۱).
۵. سند ابراهیم بن هاشم بن حماد بن عیسی.
۶. سند کلینی به محمد بن اسماعیل.
۷. عده کلینی (ص ۴۵۴-۴۵۶).
۸. مستثنیات روایات محمد بن احمد بن یحیی (ص ۴۵۶-۴۵۸).
۹. مذمومین از اصحاب ائمه- علیهم السلام- (ص ۴۵۹-۴۶۱).
۱۰. صاحبان توفیعات.
۱۱. تاریخ ولادت و وفات ائمه- علیهم السلام- (ص ۴۶۲-۴۷۲).
۱۲. طرق شیخ طوسی در تهذیب و استبصار (ص ۴۷۳-۴۷۸) و اسانید شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه (ص ۴۸۳-۵۰۶).
۱۳. اصحاب اجماع (ص ۵۰۶-۵۰۸).
۱۴. شناخت قبایل (ص ۵۰۸-۵۲۵).

محققین با کوشش بسیار و مراجعه به مصادر متعدد و فراوان، کتاب را با نسخه‌ای خوش خط و زیبا که از سوی مؤلف خواننده شده و صدها تعلیقات و استدراکات بر آن افزوده و موارد اشتباه و غفلت ناسخ را جبران نموده، مقابله کرده و به خوبی آن را تحقیق نموده و کتابی خواندنی و قابل توجه پدید آورده‌اند.

تصمیم برای ایجاد مرکز احمدبابا در تیمبکتو در سال ۱۹۷۰ گرفته شد و به طور رسمی در هشتم نوامبر ۱۹۷۳ میلادی افتتاح گشت. کتابخانه مرکز بیش از نه هزار نسخه و دست نوشته به چند زبان دارد که ۴۵۰۰ نسخه آن در سه جلد توصیف شده است و هر کدام یک‌هزار و پانصد عنوان را در بر دارد که بر پایه موضوعات گوناگون از قبیل مطالعات قرآنی و علوم قرآن، سنت پیامبر (ص)، اعتقادات؛ اصول؛ نحو؛ توحید؛ ایدئولوژی؛ فلسفه یونانی؛ تصوف؛ ادبیات؛ پزشکی؛ ریاضیات و دیگر موضوعات دینی و غیر دینی فهرست برداری شده است.

ج: فهرست نسخه‌های خطی اسلامی، نیجریه.

بخش ۱. آرشیو ملی نیجریه، ایالت کادونا.

ج ۱. تهیه شده توسط بابایونس محمد، ویراستاری و شرح و توصیف توسط جان هانویک، مؤسسه میراث اسلامی الفرقان، لندن، ۱۹۹۵، ۳۴۲ ص.

ج ۲. سری لیست نسخه‌های خطی اسلامی شماره ۶، مجموعه‌های آفریقا، نیجریه، لیست نسخه‌های خطی آرشیو ملی نیجریه، ایالت کادونا، تهیه شده توسط بابایونس محمد، ویراستاری و شرح و توصیف از جان هانویک، مؤسسه میراث اسلامی الفرقان، لندن، ۱۹۹۷، ۳۵۲ ص.

نسخه‌های خطی که در آرشیو ملی نیجریه در ایالت کادونا نگهداری می‌شود؛ شامل مطالعات بسیار مهم تاریخی نیجریه و غرب آفریقا است. بیشتر نسخه‌ها به زبان عربی است. دو جلد فهرست شامل ۱۶۴۵ نسخه خطی است که در برگیرنده نام نویسندگان، نسخه‌ها، موضوعات، تعداد صفحه‌ها و شرایط وضعیت دقیق هر کدام از نسخه‌هاست.

د. فهرست نسخه‌های خطی اسلامی سری ۳،

مجموعه‌های اروپایی، فهرست نسخه‌های خطی اسلامی آلبانی در کتابخانه ملی آلبانی، تیرانا، ویراستاری توسط عبدالستار الحلاجی و حبیب‌الله عظیمی، مؤسسه میراث اسلامی الفرقان، لندن، ۱۹۹۷، ۳۴۶ ص.

در پی تصمیم به گردآوری و طبقه‌بندی نسخه‌های خطی اسلامی موجود در مناطق جنگی، مؤسسه توانست با فرستادن متخصصان به کتابخانه ملی و آرشیو ملی آلبانی در تیرانا و پس از یک سال کار دشوار، ۴۱۶ نسخه خطی که در کتابخانه ملی آلبانی بود فهرست کنند. این نسخه‌ها به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: گروه نخست: نسخه‌های عربی، گروه دوم: نسخه‌های فارسی موضوعات این نسخه‌ها عبارتند از: قرآن و علوم قرآنی، سنت پیامبر (ص)، ادعیه، فلسفه، اعتقادات، اخلاق، تصوف و موضوعات دینی و غیر دینی دیگر.

الف. نسخه‌های خطی شماره هشت؛ مجموعه‌های آفریقای؛ سنگال.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه شیخ سرینگنه مرابیه سی‌سا، الحاجی مالک سی و شیخ ابراهیم نیاس؛ فهرست و ویراستاری شده توسط عثمان کانه؛ مؤسسه میراث اسلامی الفرقان، لندن؛ ۱۹۹۷م؛ ۴۶۳ ص.

این جلد در بردارنده فهرست سه مجموعه اصلی از نسخه‌های خطی به شرح زیر است:

۱. مجموعه شیخ سرینگنه مرابیه سی‌سه.

این مجموعه مربوط به فرقه مریدیه در سنگال است. اکثریت قاطع نسخه‌ها، نسخه‌های قرآن کریم است که متعلق به دانش‌پژوهان اولیه فرقه است.

۲. مجموعه الحاجی مالک سی در تاواون

نام شهر تاواون ارتباط تنگاتنگی با فرقه تیجانیه دارد که توسط مالک ب عثمان یکی از صاحب‌نظران و دانشوران اصلی مسلمان در سنگال، ساخته شده است. اعتبار شهر تاواون به عنوان مرکز علوم دینی به این مجموعه اهمیت ویژه داده است.

۳. مجموعه شیخ ابراهیم نیاس در کلجه.

این مجموعه قدیمی‌ترین و مهم‌ترین این مجموعه‌هاست که تاریخ آن به عصر عبیدالله نیاس بازمی‌گردد، دانشمندی که در روزگار مستعمره بودن سنگال نقش مؤثری بازی کرد. بسیاری از این دست نوشته‌ها در کلجه نگهداری شده است.

مؤلف شرح کاملی برای هر کدام از دست نوشته‌ها شامل یادکرد نام نویسنده، مقدمه‌ها، نسخه‌ها، موضوعات، صفحه‌ها، وضع دقیق نسخه و تفسیری در ارتباط با موضوع آن ارائه کرده است.

ب. سری فهرست نسخه‌های خطی شماره ۵، ۶ و ۱۰؛

مجموعه‌های آفریقا؛ مالی.

نسخه‌های خطی مرکز اسناد تحقیقی-تاریخی احمدبابا؛ تیمبکتو، ۳ جلد.

ج ۱. تهیه شده توسط سیدی عمار اولد الی ویا؛ با ویراستاری جولیان جهانس؛ مؤسسه میراث اسلامی الفرقان؛ لندن، ۱۹۹۵م، ۵۷۵ ص.

ج ۲. فهرست شده توسط کتابداران مرکز؛ ویراستاری توسط عبدالحسین العباس؛ مؤسسه میراث اسلامی الفرقان؛ لندن، ۱۹۹۶م، ۹۸۳ ص.

ج ۳. فهرست شده توسط کتابداران مرکز؛ ویراستاری توسط عبدالحسین العباس، مؤسسه میراث اسلامی الفرقان، لندن، ۱۹۷۹، ۸۶۴ ص.

استفاده علما بوده و دیگر کتاب های رجالی پس از آن به نحوی از آن بهره برده اند. که خود حاکی از امتیازات متعدد کتاب است. مؤلف در این کتاب، روش نقد و تحقیق به کمک اوثق ادله و متین ترین میانی را برگزیده و در حق هر کس اقوال و آرای گوناگون را با کوتاه ترین کلمات و زیباترین عبارات، آورده است.

وی در این کتاب با ترتیب زیبا و پرهیز از تکرار مکررات، و دوری از سهو و خطا، تمام نام های روات را مرتب ساخته است. او خود می نویسد: هنگامی که در کتاب های رجالی نگاه افکندم، دیدم بعضی از آنها ترتیب ندارد که فهم مراد را آسان سازد و با این حال خالی از سهو و تکرار نیست و برخی دیگر نیز با آنکه ترتیب نیکویی دارد، اغلاط بسیاری دارد و هیچ یک از آنها مشتمل بر جمیع نام رجال نیست. لذا تصمیم بر آن گرفتم تا کتابی را بنویسم که مشتمل بر جمیع رجال - از ممدوحین، مذمومین و مهملین - و خالی از تکرار و اشتباه و دارای حسن ترتیب و در برگیرنده تمام سخنان رجالی ها - از مدح و ذم - باشد و برای گریز از درازگویی، رموزی را به کار بردم...»

او پس از پایان تالیف کتاب - در ماه رمضان ۱۰۱۵ ق - حواشی بسیاری بر آن نگاشته است و پس از ذکر ابواب کنیه ها و لقب ها و زنان، خاتمه ای را مشتمل بر شش فایده نگارش داده است:

۱. القاب و کنیه های ائمه اطهار - علیهم السلام - در روایات و اخبار.
  ۲. تاریخ ولادت، وفات و مدت زندگانی ائمه - علیهم السلام.
  ۳. توضیح العده کلینی - ره.
  ۴. طرق شیخ طوسی و شیخ صدوق.
  ۵. معرفت اصول حدیث، در نزد شیخ طوسی.
  ۶. طریق مؤلف به شیخ کلینی و طوسی و مفید و صدوق.
- این کتاب، امتیازات ویژه ای دارد که آن را از دیگر کتاب های رجالی ممتاز ساخته است و در برگیرنده تحقیقات و ابتکاراتی است که نقاط تاریکی را در علم رجال روشن ساخته و به همین جهت تمام کسانی که پس از وی آمده اند، از آن بهره برده اند.
- برخی از این ویژگی ها عبارتند از:
- عدم اکتفا به توثیق و تضعیف رجالیون و استناد و استشهاد به توثیقات و تضعیفات فقها در کتاب های فقهی.
  - ذکر استادان و شاگردان هر راوی.
  - دقت و ژرف بینی در اختلاف نسخ اصول رجالی و ضبط

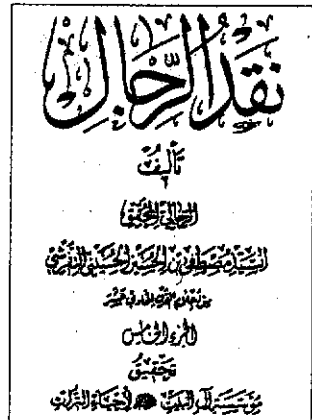
این مجموعه های انتشار یافته می توانند مورد نیاز کسانی باشند که درباره میراث اسلامی به طور عام و درباره مجموعه های نسخ خطی به طور خاص تحقیق می کنند.

آینه پژوهش

نقد الرجال. میر سید مصطفی حسینی تفرشی. تحقیق: گروه محققان.

چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق، ۵ ج، وزیری.

بدون شک دانش حدیث، یکی ز برترین و شریف ترین علوم اسلامی است که استنباط احکام شرعی بسیار بر آن متوقف است. حکم به صحت و درستی احادیث و یا ضعف ایشان، متوقف بر



آگاهی به علم رجال است، زیرا از دیدگاه فقها و دانشمندان، تنها احادیث صحیح و حسن این قابلیت را دارند که به آنها عمل شود و شناخت راویان حدیث، آنها از تبحر در علم رجال به دست می آید. بر این اساس از دیرباز تاکنون عالمان شیعی و سنی، به کار تالیف موسوعه های بزرگ و کوچک رجالی دست یازیده اند که اولین آنها کتاب عیدالله بن ابی رافع - کتاب امیر المؤمنین - علیه السلام - است در ندوین اسامی صحابه ای که با علی (ع) بیعت کردند و با او در جنگ های سه گانه اش شرکت جستند. کار تالیف کتاب های رجالی ادامه یافت تا به اصول پنجگانه رجال: رجال کشی، رجال نجاشی، رجال طوسی، فهرست شیخ و رجال برقی منتهی شد و پس از آن گروهی دیگر با استفاده از آنها و قرائن و احتمالات گوناگون به جرح و تعدیل روات پرداختند و کتاب های وزین و عظیم رجالی ساختند که «نقد الرجال» تفرشی یکی از برترین آنهاست. مؤلف بزرگوار که یکی از بزرگ ترین شاگردان ملا عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ق) و شیخ عبدالعالی کرکی - فرزند محقق ثانی - (م ۹۹۳ ق) بود، در تبحر رجالی و شناخت صحیح از سقیم، و سره از ناسره، ضرب المثل و شهره آفاق است، که همگان به مقدم بودن وی در این فن متفقند. میرزا محمد اردبیلی در جامع الرواة (ج ۲، ص ۲۳۳) خود را از برشردن فضایل و مناقب و تبحر و مهارتش ناتوان می داند.

این کتاب، از گاه تالیف تاکنون همواره مورد استناد و



مفردات نام‌ها.

- مقابله نسخ اصول رجال با کتاب‌های علامه و ابن داود.  
- مناقشه در آرای علامه و ابن داود و آگاهی بخشیدن بر بعض اشتباهات علامه.

- ابداع رأی درباره اتحاد بعضی مفردات و مشترکات.  
- ایراد فواید موجود در کتاب‌های رجال و فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی.

- مشتمل بودن بر متون رجال کثی و دیگر کتاب‌هایی که نسخه آنها، اکنون در دسترس ما نیست.

- ذکر رجالی که در کتاب‌های دیگر، در ضمن عناوین غیر مربوطه مطرح شده‌اند.

- بحث درباره تعدد غضائری پدر و پسر، و اینکه صاحب توثیقات و تضعیفات رجالی، غضائری پسر است.

- نقل متونی از رجال غضائری، که در خلاصه علامه و رجال ابن داود به طور کامل نیامده است (و این نشان‌دهنده آن است که رجال غضائری به گونه کامل در دست او بوده است و لذا، گاه

منقولات ابن داود از رجال غضائری را تخطئه می‌کند).

- مبانی رجالی علامه در خلاصه را نقد و بررسی کرده است.  
- اختصار در نقل از رجال شیخ و نجاشی.

مجموع اشخاصی که در کتاب ذکر شده، بیش از ۶۶۰۰ نفرند.

اینها و جز اینها باعث شد تا این کتاب مورد نظر علمای دانشمندان بسیار قرار گیرد و بر آن شروع و حواشی متعدد

نگاشته شود، که از مهم‌ترین آنها «تکملة الرجال» شیخ عبدالنبی کاظمی، شرح شیخ علی شریعتمدار استرآبادی، حاشیه

مولانا عیاض الله قهپائی و از همه مهم‌تر حاشیه ملا محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق) است. وی در این تعلیقه گرانسنگ تمام

منقولات مصنف از کتاب‌های رجالی را با مصادر اصلی تطبیق کرده، و بر اطلاعات کتاب بسی افزوده و تراجم بسیار را نیز با

استفاده از فهرست منتجب‌الدین بدان اضافه کرده است.

محققان مؤسسه آل‌البیت - علیهم‌السلام - لإحياء التراث، بر اساس نسخه دستنویس مؤلف و دو نسخه مصحح مولی محمد

تقی مجلسی و چاپ سنگی کتاب، به تحقیق این کتاب شریف دست زده‌اند و به خوبی از عهده برآمده‌اند. آنان برای آسان شدن

فهم کتاب، رمزهای کتاب را به صورت اصلی برگردانیده و تمام منقولات مؤلف را به منابع اصلی ارجاع داده، تعلیقه‌های

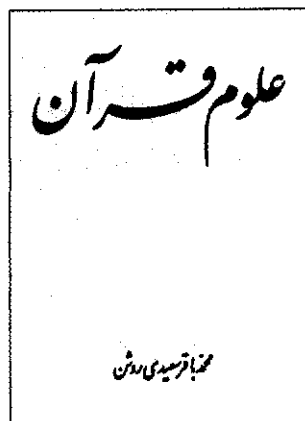
مجلسی را به طور کامل در پاورقی نقل کرده، لغات مشکل را معنی نموده و نسخه بدل‌ها را هم ضبط نموده‌اند و فهرستی کامل در پایان هر جلد، آورده‌اند.

توفیق بیش از پیش محققان این مؤسسه را از خداوند خواستاریم.

ناصرالدین انصاری قمی

علوم قرآن، محمد باقر سعیدی روشن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۷۷، ۳۴۳ص، وزیری.



بخشی عظیمی از آثار مکتوب حوزه‌های فرهنگ اسلامی

نگاشته‌هایی است که از آنها با عنوان «علوم قرآنی» یاد

می‌شود. این گونه نگاشته‌ها با عنوان «علوم قرآن» و یا

بدون آن به مباحثی می‌پردازند که به گونه‌ای مرتبط با قرآن

است و جنبه‌ای از جنبه‌های قرآن کریم را به بحث می‌نهد. کتاب یاد شده از جمله تازه‌ترین آثاری است که در این زمینه سامان یافته

است. این کتاب پس از مقدمه‌ای کوتاه در تبیین مفهوم علوم قرآن و

اهداف و چگونگی کتاب، مشتمل است بر پنج بخش (هفده فصل) که مطابق چهار واحد درسی است.

از دید مؤلف، مباحث علوم قرآن برخی چهره کلامی دارد و به عنوان مبادی و مبانی قرآن‌شناسی محسوب می‌گردد و

متضمن اثبات الهی بودن متن قرآن است. بدین معنا که پیام الهی به طور کامل و بی‌کم و کاست از طریق وحی بر رسول خدا (ص)

ظاهر شده است «وحی»، و دلایل گوناگون حقانیت و خدایی بودن خویش را به همراه داشته است «اعجاز»، و سپس از نزول

در عصر نبوی ثبت و تدوین یافته و تمامت به مردم رسیده است «نزول و تدوین»، و در طول تاریخ نیز همواره مصون از

دگرگونی باقی مانده است «تحریف ناپذیری». از همین روی چهار بخش یعنی یازده فصل از فصول هفده گانه کتاب به عنوان

سندشناسی قرآن قلمداد می‌گردد. بخش پنجم «اصول و مبانی فهم قرآن» در واقع تبیین هدف نهایی نزول کتاب خدا و

راهکارهای تحقق آن هدف است. اینک به اختصار گزارشی از هر یک از بخش‌های کلی و

فصول هفده کتاب تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد. بخش نخست یعنی وحی شامل سه فصل است. فصل اول،

جستارهایی است در زمینه مفهوم وحی، تفسیر ماهیت وحی در نگاه‌های فلسفی، علمی و عرفانی که حاوی نقدهای قابل

فصل چهارم گزارشی است اجمالی ولی گویا از قرائت قرآن و قاریان و پیدایی قرائت گوناگون و سپس رواج قرائت سبعة، مصدر قرائت و جهات پیوند و انفصال قرآن و قرائت، منشأ اختلاف قرائت و بالاخره معیار قرائت صحیح.

بخش چهارم (تحریف ناپذیری قرآن) در واقع یک مقاله نسبتاً مفصل و منسجم است که از مفهوم تحریف شروع می‌شود، و به اقسام تحریف، دلایل تحریف ناپذیری قرآن به حسب عقلی و نقلی، و سپس دستاویزهای قائلان به تحریف و پاسخ آنها می‌انجامد.

بخش پنجم، شامل اصول و مبانی فهم قرآن است که در شش فصل فراهم آمده است. فصل اول، تحت عنوان فهم پذیری قرآن، پیرامون مفهوم تفسیر، ضرورت آن، دلایل نیاز به علم تفسیر و همین‌طور امکان تفسیر است که به بررسی پنج نوع ایراد مربوط به منع تفسیر پاسخ می‌دهد و در نهایت دلایل عقلی و نقلی فهم پذیری قرآن را برمی‌شمارد. فصل دوم مبحثی است در زمینه یکی از جدیدترین موضوعات مقدماتی فهم قرآن یعنی زبان‌شناسی. نخست مفهوم و مراد از زبان‌شناسی شرح داده می‌شود که آیا گزاره‌های گوناگون قرآن از هستی و انسان و بایدها و نبایدها و قصص و ... همه دارای یک زبان است یا نه. سپس به منشأ پیدایش این بحث در حوزه تفکر مسلمین پرداخته، آنگاه راه کشف زبان قرآن را به دو طریق برون‌دینی و درون‌دینی مرتبط می‌نماید و بالاخره مراتب گوناگون فهم، جمع‌بندی فصل است. فصل سوم تحت عنوان ابزارها و مصادر تفسیر است که در یک نظم ساختاری مناسب، ابزارها و مصادر فهم قرآن را در چهار عنوان کلی شرح می‌نماید: ۱. ادبیات و قواعد زبان‌شناسی - همچون لغت‌شناسی، صرف، نحو، معانی، بیان و قواعد زیبا سازی کلام و اصول عرفی حاکم بر الفاظ جهت تعیین دلالت کلام ۲. مضمون و سیاق خود قرآن تحت عنوان قرائن پیوسته و ناپیوسته. ۳. سنت معصوم و کارکردهای گوناگون آن در سه محور تفسیر و تأویل، و تعلیم شیوه تفسیر و راهیابی به بطون قرآن. ۴. عقل و تفکر خلاق و اعتبار و حجیت آن در فهم دین.

ذیل این فصل در پیوست آورده شده است. بنا به توضیح مؤلف مباحث این دو پیوست هر یک مشتمل بر یک فصل کامل است که با مطالب فصل سوم یعنی مصادر فهم قرآن مرتبطند، ولی جهت رعایت حجم فصل و همچنین حفظ روند بحث و نیز اهمیت آن دو، هر یک از آنها در ضمن یک پیوست گنجانده شده است.

توجهی نیز می‌باشد. فصل دوم نگاهی است درون‌متنی که شرح حقیقت وحی را از زبان گیرنده آن و متن قرآن جستجو می‌نماید. این جستجوها به این نتیجه می‌انجامد که معرفت پیامبرانه، دانش ویژه‌ای است که جهت هدایت مردم تنها به پیامبر القا شده و مردم با وساطت او گیرنده آیات تشریحی خداوند، به خلاف آیات تکوینی عالم که همه مردم بی‌واسطه با آنها مواجهند. فصل سوم، بررسی امکان، ضرورت و ختم وحی است که برترین دلیل امکان هر چیز را وقوع آن دانسته، عوامل ستیز با وحی را ناشی از محدوداندیشی و مسؤولیت‌گریزی می‌داند، همانطور که ضرورت وحی را مستند به ربوبیت و هدایت خاصه خدا در سرنوشت انسان می‌داند. همچنین علت ختم وحی، عدم ضرورت آن پس از تکمیل و بقای شریعت و هدایت در میان مردم دانسته شده است.

بخش دوم گزارشی است گویا از اعجاز قرآن تحت عنوان «اثبات پیام الهی از رهگذر اعجاز». این بخش نیز دارای سه فصل است. فصل نخست بیانگر یک سلسله مباحث مقدماتی همچون مفهوم اعجاز و مفاد، هدف آن، همچنین امکان عقلی اعجاز و عدم منافات آن با قوانین عقلی و علمی و نیز ارزش معرفتی اعجاز است. فصل دوم در مقام بیان این مطلب است که معجزه اصلی پیامبر خاتم (ص) قرآن است که با یک روش استوار همگان را دعوت به تحدی نموده است. سپس این موضوع مورد توجه قرار گرفته است که منشأ ناتوانی بشر در مانندسازی قرآن، الهی بودن متن قرآن است و نه سلب انگیزه و یا به اصطلاح صرفه.

فصل سوم به وجوه اعجاز قرآن از جهت اسلوب بیانی، در زمینه روابط گوناگون هستی، انسان، طبیعت، قوانین، ارزشها و همین‌طور ویژگی‌های معسارف قرآن چون خسرپذیری، هماهنگی با فطرت و واقع‌گرایی پرداخته است. همچنین پیراستگی از اختلاف به عنوان سومین وجه اعجاز قرآن به شمار آمده است.

بخش سوم پیرامون نزول و تدوین قرآن است که دارای چهار فصل است. فصل اول در زمینه مفهوم نزول و اقسام و مقصد آن، و نزول اجمالی و تفصیلی و حکمت نزول تدریجی و نیز مکی و مدنی است. فصل دوم در زمینه ترتیب نزول و تدوین قرآن در روزگار رسول خدا (ص) و ابزارهای نگارشی و خطی که نخستین بار قرآن را بدان نوشتند. فصل سوم در زمینه تلاش‌هایی است که مسلمانان پس از پیامبر در خدمتگذاری به قرآن انجام دادند، همچون تهیه مصحف و توحید مصاحف و اعراب و اعجام قرآن.



کرده‌اند. پیشنهاد، تدوین و تحقیق فلسفه برای بسیاری از علوم، هنر و پدیده‌های معرفتی انجام گرفته است و آثار انکارناپذیری درباره مضاف‌الیه‌های آنها از سوی و برای معرفت انسانی از سوی دیگر داشته است.

در حوزه فرهنگ اسلامی دانش فقه با آنکه رابطه تنگاتنگی با اعمال و رفتار شرعی افراد دارد و از سوی دیگر در واقعیت حوزه‌های علمی-درست و یا نادرست-گسترده‌ترین فعالیت علمی و فکری متولیان دین را از آن خود ساخته است و باید به طور طبیعی پرسش‌های زیادی-که پاسخ آنها نیازمند معرفت‌های درجه دومی است-ایجاد می‌کند و متعاقباً زمینه پیدایش فلسفه فقه را پیش‌تر به وجود می‌آورد، به علل گوناگون این دانش دیرتر ضرورت خود را نمایانده است و هنوز ناآشنا و غریب می‌نماید. شاید فلسفه فقه بعضی از مباحث خود را در دانش کلام و یا علم اصول و یا دانش‌های مرتبط دیگر می‌دید و در نتیجه ضرورتی در تدوین آن در شکل دانشی مستقل دیده نمی‌شد و یا دست‌اندرکاران استنباط و اجتهاد چنان در موضوعات و مسائل فقهی و معرفت‌های درجه اول این علم غرق بوده و هستند که فرصت نگرش بیرونی و مطالعات نظری و تحلیلی درباره خود فقه نیافتند. به هر حال چنین دانشی هنوز تدوین نشده و حتی ضرورت آن برای بسیاری مبرهن نگشته است. از این روی حتی برای کسانی که به اصل ضرورت تدوین آن باور دارند حد و ثغور، تعریف، مسائل و موضوع این علم خیلی روشن نیست و هرکس ضمن اعتراف به ضرورت آن تعریفی ویژه از آن ارائه می‌کند و مباحث و مسائل خاصی را قابل طرح در این دانش می‌داند که با رأی و نظر دیگری توافق کلی و کامل ندارد.

به هر حال در پی پیشنهاد بعضی از حقوق دانان صاحب‌نام کشور (مجله نقد و نظر، ش ۱۲، ص ۴۹۴) و مطرح شدن آن در سخنرانی پاره‌ای از محققان (ص ۵۳)، گروه فلسفه فقه در واحد فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی به فکر تبیین و تشریح این دانش جدید افتاد و نخستین کار خود را با برقراری گفت و گو با چند تن از اندیشورانی که حرفی برای گفتن داشتند، آغاز کرد. نتیجه کار در شکل کتابی-که در این نوشته در پی معرفی آن هستیم-ارائه گشت. در این گفتگوها آقایان مصطفی ملکیان، محمد مجتهد شبستری، ناصر کاتوزیان، علی عابدی شاهرودی و صادق لاریجانی طرف گفتگو بودند که هر کدام به طور مستقل در کتاب آورده شده است.

در گفتگو با آقای ملکیان مباحثی که باید در فلسفه فقه بدان پرداخته شود، به شرح زیر بیان شده است:

پیوست اول مقاله ای است مرتبط با محکم و متشابه. این فصل از ضرورت شناخت محکم و متشابه شروع می‌شود و به بیان مفهوم آن، ویژگی متشابهات، علت تشابه پاره‌ای آیات و قابل فهم بودن یا رازآمیزی متشابهات می‌انجامد.

در پیوست دوم، شناخت ناسخ و منسوخ با طرح اهمیت آن، همچنین فلسفه ناسخ و اقسام ناسخ مقبول (نسخ حکم و نه تلاوت) و نسخ مردود شرح داده می‌شود.

فصل چهارم یعنی آخرین فصل کتاب، به یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به فهم قرآن بویژه مبانی و معیارهای فهم قرآن اختصاص یافته است. در این فصل مؤلف نخست از دو شیوه تفسیر نقل‌گرای و نیز دگراندیشی بی ضابطه (عقل‌گرایی بی پروا) نام می‌برد و آسیب‌های هر یک را برمی‌شمارد. آنگاه مبانی فهم کلام خدا را در چهار عنوان برمی‌شمارد: ۱. اعتبار فهم انسان از متون دینی ۲. انسانی بودن زبان دینی ۳. قلمرو دین، هدایت همه جانبه انسان ۴. جامعیت، کمال و خاتمیت دین.

پس از این به ویژگی‌های معرفتی و عاطفی مفسر متنی و وحی می‌پردازند. مقصد اصلی مقاله یعنی ارائه معیارهایی مشخص جهت فهم روشمند وحی در پنج عنوان دسته‌بندی شده‌اند: ۱. سازگاری با عقل ۲. سازگاری با نیازهای اساسی انسان ۳. تطابق با قواعد عرفی عقلایی حاکم بر زبان محاوره ۴. سازگاری درونی مفاد نص ۵. سازگاری با روح کلی شریعت توحیدی.

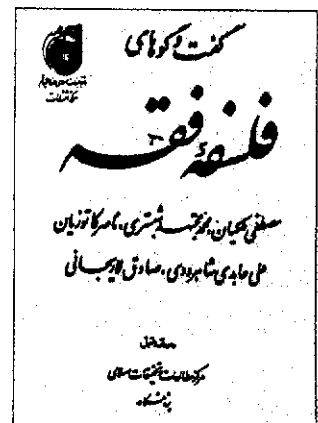
در پایان فصل‌ها پرسش‌هایی جهت تأمل در متن مطرح شده، که در عین حال ترتیب روند بحث‌های فصل را نشان می‌دهد.

حسن محمدی

گفتگوهای فلسفه فقه، جمعی از نویسندگان، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، چاپ اول، ۲۳۱ ص.

از عمر فلسفه‌های مضاف بسیار نمی‌گذرد؛ با این حال امروزه در مجموعه معارف بشری جایگاه قابل توجه و مهمی را دارند. بسیاری از دانش‌ها و حتی می‌توان گفت بسیاری از پدیده‌ها پیشوند فلسفه به خود گرفته‌اند و باب

جدید معرفتی را در ارتباط با آن دانش‌ها یا پدیده‌ها ایجاد



رابطه فقه و دانش های جدید (ص ۶۹)؛ روش تحقیق در اجتهاد و عوامل مؤثر در آن (ص ۷۰) و روش تحقیق در رابطه فقه و زمان و مکان (ص ۷۱) را از مسائل و مباحث فلسفه فقه می داند. به تعبیری روش تحقیق رابطه فقه با دانش ها و پدیده های دیگر را یکی از اهداف و مباحث مهم فلسفه فقه می شمارد. شبستری فلسفه فقه را در جایگاه ناقدی می نشاند که خود اتخاذ موضع نمی کند، بلکه موضعی را که فقیه گرفته است به نقد می کشد. همچنین رابطه آن را با دیگر دانش ها و پدیده ها مطالعه می کند و آنها را تحلیل می کند.

آقای کاتوزیان در بحث خود ضرورت فلسفه فقه را تبیین می کنند و از این که در مسیحیت علی رغم اشکالات عقلی بسیار در باب مبدا، مسائل عقلی طرح شده و درباره راه حل های معقول بحث می کنند، ولی در بین مسلمانان این مسائل پراکنده و بی نظم است، اظهار حسرت و تأسف می کند (ص ۱۱۰). وی فلسفه فقه را هنوز در حدی که تعریف جامعی داشته باشد، نمی داند؛ با این حال آن را به اجمال چنین تعریف می کند: «فلسفه فقه اندیشیدن درباره مبانی، هدف، منابع احکام و تمهید نظریه های کلی درباره شیوه تحقیق و تفسیر است» (ص ۱۱۷). آقای کاتوزیان کار فلسفه فقه را گزارش تحلیلی کار دیگران در مرحله بعد توصیه برای بهبود اجتهاد می داند (ص ۱۱۸).

آقای عابدی شاهرودی نخست به تعریف فلسفه فقه می پردازد و سپس فایده این دانش را معرفی می کند که از جمله آن فواید نقادی فقه و در نتیجه پیشرفت آن است (ص ۱۶۳). وی سپس سه فرق بین فلسفه فقه و اصول فقه می گذارد. همچنین آن را با فلسفه حقوق مطرح می کند و در نهایت فلسفه فقه را گزارشی می داند.

آقای صادق لاریجانی ضمن بیان دو معنای مختلف برای فلسفه، امکان وجود فلسفه فقه به معنای تأملات نظری و تحلیلی و عقلانی درباره فقه را امری ساده می داند (ص ۱۷۲). وی متعلق فلسفه های مضاف را همواره علم نمی داند، بلکه پدیده می شمارد و در کل، فلسفه مضاف را مبانی می داند (ص ۱۷۴). وی سپس به معنای فقه می پردازد و در تفکیک بین فقه به معنای مجموعه قضایای فقهی و بین فقه به معنای فعالیت عالمان، فرق می گذارد (ص ۱۷۵). همچنین به فقه به عنوان وجودی سیال یا مقطعی توجه کرده بین آن دو فرق می گذارد و معتقد است مجتهد به تاریخ اجتهاد کاری ندارد، به تاریخ اصول کاری ندارد و به تاریخ فقه کاری ندارد و به تعبیر دیگر به وجود مقطعی فقه کار دارد و نه وجود سیال (ص ۱۸۱). و از آنجایی که فقه مقطعی به درد ما می خورد، ضمن تأکید به امکان داشتن فلسفه فقه سیال،

تعریف فقه (ص ۱۴)، موضوع فقه و قلمرو آن (ص ۱۵)؛ روش استدلال فقهی (ص ۱۴)، عصمت معصومان (ع) (ص ۱۴)؛ تفکیک بین اقوال، افعال و تقریر امام (ع) (ص ۱۸)؛ تفکیک غرض و غایت احکام فقهی (ص ۱۴)؛ ناظر بودن قرآن و روایات بر جامعه عرب آن زمان (ص ۲۱)؛ ضمانت فقه نسبت به خوش آیند و بدآیند انسان در کنار ضمانت برای مصالح و مفاسد واقعی (ص ۲۴)؛ تحدید و کمی کردن مفاهیم فقهی (ص ۲۹)؛ تلقی دین از آزادی و تعقل (ص ۳۸) و در نهایت مقایسه متدلوژی تحقیق تاریخی امروزی و فقهی (ص ۴۱). آقای ملکیان وقتی در روش استدلال فقهی آثار متفاوتی از یک روش می بیند این سؤال را مطرح می کند که آیا تفاوت نتایج تا چه حد به نقص در روش مربوط است و آیا نفس تفاوت دلیل عیب و نقص روش است؟ وی پاسخ این سؤال را بر عهده فلسفه فقه می گذارد (ص ۱۶). وی همچنین چگونگی نگرش به عصمت امامان را در چگونگی استنباط احکام، حل تعارض اخبار و امثال آن دخیل می داند و تکلیف نگرش به عصمت را نیز بر ذمه فلسفه فقه می نهد. تفکیک بین اقوال، افعال و تقریر امام (ع) یا به تعبیر دیگر تفکیک بین منش شخصی و منش قانونگذاری را در استنباط مؤثر می بیند و بحث از چنین تفکیکی را در فلسفه فقه می جوید (ص ۱۶). ملکیان تفکیک بین غایت دنیوی و غایت اخروی را در درست استنباط کردن بسیاری از احکام به روشنی می بیند. وی همچنین قرآن و روایات را همچون حاشیه بر جامعه عرب آن زمان می داند. از سوی دیگر فکر نمی کند که فقه نسبت به خوش آیند و بدآیند انسان بی تفاوت باشد و تنها به مصالح و مفاسد واقعی بیندیشد. با این حال تحدید کمی مفاهیم فقهی را ممکن و لازم می شمارد. همه این مباحث را در قلمرو فلسفه فقه می شمارد و دلیل بر ضرورت تدوین فلسفه فقه می داند.

آقای شبستری در گفت و گوی خود نخست فلسفه علم فقه را تبیین می کند. ملاک شناخت فلسفه هر علم را پاسخ به سؤال از چیستی آن می داند (ص ۵۶) و بر آن فوایدی مترتب می کند از قبیل: روشن کردن معنای علم فقه، تبیین کار عالم فقه، توضیح امور خارجی که علم فقه بر آنها مبتنی است و در نهایت حل تعارض های فقه با زندگی روزمره انسانی از راه هماهنگی با دیگر دانش های بشری. (ص ۶۱-۵۷)

وی مباحثی از قبیل روش تحقیق در اهداف و غایات فقه (ص ۶۱)؛ روش تحقیق در قلمرو فقه (ص ۶۲)؛ روش تحقیق در مرز فقه و اخلاق (ص ۶۴)؛ روش تحقیق در مرز فقه و حقوق (ص ۶۵)؛ روش تحقیق در مرز فقه و آداب و رسوم (ص ۶۶)؛ روش تحقیق در رابطه فقه و کلام (ص ۶۸)؛ روش تحقیق در

آن و مستثنیات از حکم بحث کرده است و غنا را جزء محرمات شمرده و مواردی از قبیل تغنی در سوگواری‌ها را نیز از حکم مستثنا ندانسته است.

رساله سوم: به نام «رسالة فی الغناء» از ملا نظرعلی طالقانی است که توسط آقای عباس ظهیری و محمود سپاسی تحقیق شده است. ملا نظرعلی دایره غنای محرم را تنگ تر می‌داند و اعتقاد به حرمت مطلق صوت را موجب اعتقاد به لغو بودن آفرینش صدای زیبا از سوی خداوند حکیم می‌شمارد.

رساله چهارم به نام «رسالة مسألة الغناء» از آثار سید مهدی موسوی نجفی کشمیری است که توسط حسین شفیعی تحقیق شده است. مؤلف محترم با نظر مرحوم فیض کاشانی در انصراف حرمت غنا به غنای متعارف در زمان خلفای جور موافق است، و تغنی در مرثی سیدالشهداء را حرام نمی‌شمارد.

رساله پنجم با عنوان «رسالة فی الغناء» از میرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی است که توسط سید احمد تویسرکانی و حجت‌الله اخضری تحقیق شده است. نویسنده شک و تردید را از حرمت اجمالی آن نفی می‌کند و در حرمت آن صدق لهویت را معتبر می‌داند و مواردی را از حرمت غنا استثنا می‌کند.

رساله ششم به نام «مصباح السعادة» از تألیفات محمد ابراهیم انجدانی است که با تحقیق ابوالفضل حافظیان آمده است. مؤلف به حرمت اجمالی غنا اعتقاد دارد و مواردی را از حکم مستثنا می‌داند و حرمت را از آن صدای لهوی می‌شمارد که برای انجام لهو به کار گرفته شده است.

رساله هفتم از شیخ هادی تهرانی و منظومه‌ای در غناست که توسط رضا مختاری تحقیق شده است.

رساله هشتم: با عنوان رسالة فی الغناء از شیخ هادی سابق الذکر و شرح همان منظومه است که توسط آقایان یعقوبعلی برجی و غلامرضا نقی تحقیق شده است. در این رساله شیخ هادی به حرمت غنا تصریح می‌کند.

رساله نهم به نام «رسالة فی الغناء» از شیخ حسین بن علی سنقری است و توسط علی صدرایی خوبی تحقیق شده است. مؤلف به حرمت ذاتی غنا معتقد نیست و حرمت را از عوارض خارجی آن ناشی می‌داند. از این رو در خواندن قرآن و مرثیه‌ها مستحب و در عروسی‌ها آن را مباح می‌شمارد.

رساله دهم به نام رسالة فی الغناء از میرزا یوسف آقا مجتهد اردبیلی است که توسط علی اکبر زمانی نژاد تحقیق شده است. مؤلف محترم در حرمت غنا نسبت به بعضی از افراد آن را بدون خلاف می‌شمارد و آن را متفق علیه می‌داند.

رساله یازدهم به نام «ذریعة الاستغناء فی تحقیق مسألة الغناء»

توصیه می‌کند بهتر است برای سودمندی کار در پی فلسفه فقه مقطعی باشیم. وی کار فلسفه فقه را کاری توصیه‌ای می‌داند (ص ۱۹۵).

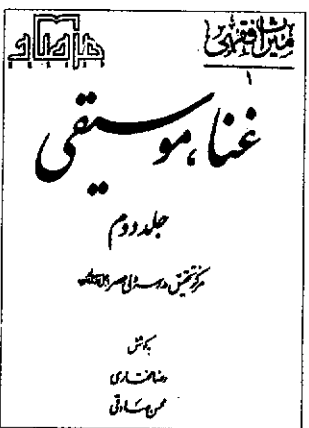
لاریجانی فایده فلسفه فقه را در این می‌داند که با روشن شدن مبادی تصویری و تصدیقی و روش شناسی و شناخت شناسی کمکی برای شفاف شدن مبانی فقه حاصل شود و این شفاف شدن گزاره‌های درون فقه را شفاف و نگاه ما را به فقه عوض کند (ص ۲۰۶).

وی سه دسته از مسائل مهم را مربوط به فلسفه می‌شمارد: دسته‌ای که به موضوعات احکام فقهی برمی‌گردد؛ دسته دیگر که به محمولات احکام فقهی مربوط است؛ و دسته سوم آنهایی که به تصدیقات قضایای فقهی برمی‌گردد (ص ۲۰۸). وی در نهایت فلسفه فقه را بخشی از علم اصول می‌شمارد (ص ۲۱۶).

لازم به یادآوری است که این قبیل گفتگوها به تبیین مفهوم، قلمرو و تعریف فلسفه فقه کمک می‌کند؛ گرچه اکنون در ابتدای راه است. خواننده این قبیل گفتگوها احساس می‌کند که موضوع بحث برای خود آنان نیز چندان روشن نیست و در کمتر بحثی از مباحث متعلق به فلسفه فقه اتفاق نظر وجود دارد. کتاب خالی از کم دقتی در عبارت‌ها و چاپ و نیز بعضی اطلاعات ارائه شده نیست (بنگرید ص ۶۳ درباره الأحکام السلطانیة)، با این حال قدم مناسبی است که باید پی‌گیری شود. تحقیقات و محققان

\*

غنا، موسیقی، جلد دوم. به کوشش رضا مختاری و محسن صادقی. نشر



مرصاد، مرکز تحقیق مدرسه ولی عصر، چاپ اول، ۷۷۷ صفحه، وزیری.

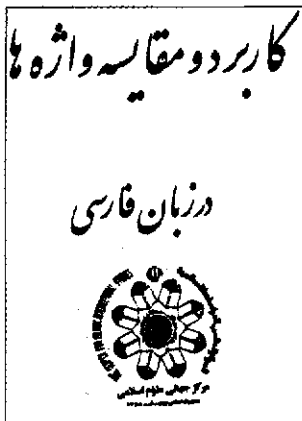
کتاب ادامه رساله‌های غناست که جلد اول آن در شماره پیشین این مجله معرفی شد. در این جلد شانزده رساله تحقیق و چاپ شده است. رساله نخست به نام «رسالة فی الغناء» از آقا محمود بن محمد

علی بهبهانی است که آقای حسین شفیعی آن را تحقیق کرده است. نویسنده بر حرمت مطلق غنا حتی در خواندن قرآن، دعا، مناجات، مرثی و سرودهای مذهبی استدلال کرده است.

رساله دوم با عنوان «رسالة فی الغناء» از سید محمود بن عبدالعظیم خوانساری است که توسط مرتضی اخوان و محسن صادقی تحقیق شده است. نویسنده درباره موضوع غناء، حکم



کاربرد و مقایسه واژه‌ها در زبان فارسی، مرکز آموزش زبان فارسی (وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی)، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ۲۴۰ ص.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در میان سایر ملل جهان، توجه خاصی به زبان فارسی پدید آمده است و خواهان فراگیری آن شده‌اند. با کمال تأسف باید اذعان

داشت با اینکه بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، هنوز توجه لازم به این مهم نشده است.

در حالی که هزاران کتاب آموزشی و کمک آموزشی در مورد زبان‌هایی چون انگلیسی، آلمانی، فرانسه و ... با شیوه‌های گوناگون وجود دارد، در مورد آموزش زبان فارسی کتاب‌های معدودی با شیوه‌های ابتدایی نگارش یافته است. حتی برخی از آنها را غیر ایرانیان نگاشته‌اند که با غلط‌های فاحش آمیخته است.

در ایران اولین کتاب فارسی که در اختیار غیر ایرانی‌ها قرار می‌گیرد، همین کتاب‌های آموزشی با ضعف‌های فراوان است. این امر سبب شده بسیاری از آنان، ایران را کشوری عقب مانده بپندارند. هرچند در سال‌های اخیر، مرکز جهانی علوم اسلامی گام‌هایی را برداشته است؛ اما در این زمینه به گام‌های بیشتری نیاز است. در مورد بعضی موضوعات که جنبه کمک آموزشی زبان فارسی دارند، تاکنون حتی یک کتاب تدوین نشده است.

از جمله آثاری که در مسیر فراگیری فارسی، تأثیر قابل توجهی دارد، کتاب **کاربرد و مقایسه واژه‌ها در زبان فارسی** است که به همت مرکز آموزش زبان فارسی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به نگارش درآمده است. این کتاب در دو بخش تنظیم شده است:

بخش اول مربوط به فرهنگ کاربردی واژه‌ها در زبان فارسی است.

فارسی از جمله زبان‌هایی است که اصطلاحات فراوان در آن به کار رفته؛ یعنی واژه‌هایی در آن یافت می‌شوند که جداگانه معنای خاصی دارند، اما وقتی با یک یا چند کلمه دیگر، کنار هم قرار می‌گیرند، معنای دیگری از آنها پدید می‌آید (معنای دیگر «اصطلاح» عبارت است از به کار بردن لفظی در معنایی غیر از معنای لغوی آن در یک علم)؛ مثلاً کلمه «دست» در لغت به

از حبیب‌الله شریف کاشانی است که توسط مرتضی اخوان تحقیق شده است. مؤلف غنایی را که لیهو باشد و داعی به محرمات باشد و یا همراه کلماتی باشد که تشویق به حرام کند، حرام می‌داند و در صورتی که از این وصف خالی باشد، عدم حرمت آن را قوی می‌شمارد.

رساله دوازدهم، با عنوان «الروضه الغنائی عدم جواز استماع الغناء» از سید محمد باقر رضوی کشمیری است که توسط اسعد الطیب و علی اکبر زمانی نژاد تحقیق شده است. این رساله به بحث از موسیقی‌هایی که از گرامافون پخش می‌شود نیز پرداخته است. مؤلف تأمل در ادله حرمت غنا و اقوال فقها را کاشف از قطع به حرمت گوش دادن به این قبیل غناها می‌داند.

رساله سیزدهم: با عنوان «خیر الکلام فی الغناء الحرام» از سید محمد حسینی مرعشی است که توسط سید باقر خسروشاهی تحقیق شده است. مؤلف به حرمت ذاتی غنا معتقد است و در مواردی از آن را فی الجمله حلال می‌شمارد؛ از قبیل غنا مغنیه در عروسی‌ها و یا مرثی و مدح اهل بیت (ع).

رساله چهاردهم به نام «الروضه الغنائی فی تحقیق معنی الغناء» از شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی است که توسط رضا استادی تحقیق شده است. در این رساله مفهوم غناء و صدای نیکو توضیح داده شده است و طرب در غنا مثل مستی در مشروبات الکلی شمرده شده است.

رساله پانزدهم با عنوان «کشف الغطاء عن وحمایة الغناء» از سید حسین عرب باغی ارموی است که توسط محسن صادقی تحقیق شده است. این رساله به شیوه کتب فقیهان اخباری نوشته شده و به زبان فارسی است. وی معتقد به حرمت غنا است.

رساله شانزدهم با عنوان «الموسیقیات و نقدها» از شیخ محمد علی سنقری حائری است که توسط محسن صادقی تحقیق شده است. رساله به فارسی است و مؤلف غنا و خوانندگی را به طور مطلق با هر وسیله و در هر مورد حرام می‌داند. این رساله نیز همچون رساله قبلی بیش از آن که رساله فقهی باشد نوشته‌ای پندآموز و اخلاقی است.

در پایان تلاش محققان این مجموعه را برای کارهای مهم دیگر از خداوند خواستاریم.

جلد سوم این مجموعه نیز درباره غناست و در آستانه انتشار می‌باشد که در فرصتی دیگر به معرفی آن می‌پردازیم. ان شاء الله تعالی.

محمد علی سلطانی



استعمال می‌شود و دیگری فقط کتابی یا محاوره‌ای است. چنانچه «همواره» و «همیشه» مترادفند لیکن «همواره» کتابی و «همیشه» کتابی و محاوره‌ای است.

۳. مترادف‌هایی در فارسی وجود دارد که اگرچه به یک معنی هستند؛ اما هرگاه کلمه‌ای با آنها ترکیب می‌شود، معنای آنها متفاوت می‌شود. مثلاً «غلط» و «اشتباه» مترادفند؛ لیکن وقتی کلمه «کردن» در کنار آنها قرار می‌گیرد، معنای متفاوت پیدا می‌کنند. چنانچه روشن است در «غلط کردن» معنای توهین نهفته است برخلاف «اشتباه کردن».

۴. در پاره‌ای الفاظ، در عین ترادف، تفاوت‌هایی با هم دارند؛ مثلاً «خانه» و «منزل» هم معنی محسوب می‌شوند؛ اما «منزل» به معنای محل زندگی انسان است و «خانه» یعنی محل زندگی انسان یا حیوان. یا مانند «آنها» و «آنان» که «آنان» تنها در مورد انسان به کار می‌رود؛ اما «آنها» در مورد انسان و غیر انسان استعمال می‌شود.

۵. فراوان مشاهده می‌شود که ترجمه دقیق یک لفظ در زبان دیگر وجود ندارد و چه بسا زبان آموز به اشتباه افتد. به عنوان مثال در انگلیسی به انسان و حیوان پیر و به اشیاء فرسوده «old» گفته می‌شود. ولی در فارسی تنها به انسان و حیوان و گیاهی که عمر طولانی کرده‌اند «پیر» اطلاق می‌شود و در مورد موجودات غیرزنده «کهنه» به کار می‌رود. چه بسا انگلیسی‌زبانی که با فارسی‌آشنایی کافی ندارد آن‌گونه که خود شنیدیم- به انسان پیر «کهنه» بگوید!

بخش دوم کتاب با توجه به موارد فوق تدوین شده و تفاوت میان واژه‌های فارسی در آن بیان گردیده است.

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد در موضوع بخش دوم، هنوز یک کتاب در فارسی نگارش نیافته است و بسیاری از اصطلاح‌های بخش نخست در کتاب‌های لغت یافت نمی‌شود. بنابراین عمده‌ی واژه‌ها از لایه‌های متون فارسی بیرون کشیده شده‌اند و در توضیح بسیاری از اصطلاح‌ها و بیان تفاوت واژه‌ها از هیچ منبعی استفاده نشده است.

در پایان، قابل ذکر است که جاداشت صفحه‌آرایی یا حروف چینی دو بخش، متفاوت بود تا خوانندگان در ارجاع‌ها به اشتباه نیفتند.

امید است آثار ارزنده دیگری در خصوص فراگیری زبان فارسی از سوی آن مرکز زیور انتشار یابند.

احمدرضوی

○

معنای یکی از اعضای بدن است و «کشیدن» یعنی به طرف خود آوردن. کسی که از اصطلاحات، آگاهی لازم نداشته باشد، ممکن است تصور کند، «دست کشیدن» به معنای دست را به طرف خود آوردن است. در حالی که به ندرت در این معنی استعمال می‌شود و می‌دانیم که این ترکیب غالباً به معنای «آدامه ندادن» است؛ مثلاً «سعید از تحصیل دست کشید». همچنین اصطلاحات دیگر مانند «آب کشیدن»، «چهار زانو نشستن»، «زمین خوردن» و ... .

وجود این اصطلاحات، مانع بزرگی است در راه آنان که می‌خواهند فارسی را فراگیرند. از این رو اصطلاحات به کار رفته در زبان فارسی در بخش نخست کتاب، گردآوری و توضیح لازم ارائه شده است. در ضمن، گاه الفاظی که معنای کتابی و تشبیهی دارند و احتمال دارد غیر فارسی‌زبانان را به اشتباه افکنند، آورده شده است؛ مانند «آویزه گوش کردن»، «آه در بساط نداشتن»، «پاک دامن» و ... .

این بخش دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. اصطلاحاتی در این قسمت گرد آمده که در فارسی امروز و در عبارات نثر، استعمال فراوان دارند. چنانچه در مقدمه آمده است، در «سطح ۲» اصطلاحات دیگر به این مجموعه افزوده خواهد شد.

۲. ممکن است یک اصطلاح، دارای چند معنی باشد؛ تنها به بیان معنای معروف اکتفا شده است.

۳. تنظیم اصطلاح‌ها به این صورت است که تنها اسم‌های به کار رفته در هر اصطلاح در نظر گرفته شده و در ذیل هر اسم، اصطلاح‌هایی که در آنها به کار رفته، توضیح داده شده است؛ مثلاً ذیل واژه «راست» این تعبیرها به چشم می‌خورد:

آدرس سراسر است، چپ را از راست تشخیص ندادن، روراست، مو بر بدن راست شدن و یک راست.

۴. علامت‌گذاری‌ها بر اساس تلفظ عموم مردم است.

بخش دوم: شامل تفاوت واژه‌های هم معنی در زبان فارسی است. مشکل دیگری که فراروی کسانی است که زبان بیگانه را می‌آموزند، وجود واژه‌های مترادف است. لغات هم معنی از چند جهت ایجاد مشکل می‌کنند:

۱. برخی واژه‌ها کاملاً به یک معنی هستند، اما موارد استعمال آنها متفاوت است؛ مثلاً «سرخ» و «قرمز» به یک معنی هستند، اما هیچ‌گاه نمی‌گوییم: «چراغ راهنمایی و رانندگی سرخ است». بلکه در این جا تنها کلمه «قرمز» را به کار می‌بریم.

۲. گاه دو واژه هم معنی، یکی تنها در محاوره به کار می‌رود و دیگری تنها کتابی است و یا اینکه یکی به هر دو صورت